

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ شفاهی
بمباران شیمیایی سردشت

علیرضا ملائی توانی
ریزان حکمت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

تاریخ شفاهی

بمباران شیمیایی سردشت

مؤلف: علیرضا ملائی توانی، ریزان حکمت

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

ویراستار: اشرف آراسته

صفحه آرا: فرزانه صادقیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تغرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: ملائی توانی، علیرضا، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ شفاهی بمباران شیمیایی سردشت / علیرضا ملائی توانی، ریزان حکمت.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ش. ۴۸۰ ص.

شابک: 978-964-426-784-0

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ — جنگ شیمیایی

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ — سردشت

موضوع: سردشت

شماره افزودن: حکمت، ریزان، ۱۳۶۵ -

شماره افزودن: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ت ۷م/۵/۱۶۲۰ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۱۳۲۰۷

به یاد شهیدان بمباران شیمیایی سردشت
در سی‌امین سالگرد این فاجعه

تقدیم به:

به پدر و مادر گران‌قدر خانم ریزان حکمت، آقای خضر حکمت و
خانم غنچه ناصری.
و تقدیم به تمام کسانی که در راه اعتلای انسانیت تلاش می‌کنند.

فهرست مطالب

مقدمه	۴
فصل اول: آشنایی با سردشت	۱
جغرافیای طبیعی شهرستان سردشت	۳
۱- موقعیت، حدود و وسعت	۳
۲- اشکال ناهمواری‌ها و زمین‌شناسی	۳
۳- شرایط اقلیمی (آب‌وهوایی)	۴
۴- شبکه هیدروگرافی و رودخانه‌ها	۵
۵- پوشش گیاهی	۶
۶- جاذبه‌های طبیعی - محیطی سردشت	۸
الف) آبشار شلماش	۹
ب) چشمه گراوان	۱۰
ج) رودخانه زاب (که لوی)	۱۱
د) تفرج‌گاه بیوران	۱۱
ه) دشت وزنه	۱۱
و) دره گرژال	۱۱
ز) روستای نستان	۱۲

ح) منطقه‌ی آلان.....	۱۲
ط) غار آهکی روستای درمان آباد.....	۱۲
وجه تسمیه سردشت.....	۱۲
جغرافیای انسانی شهرستان سردشت.....	۱۳
۱- جمعیت.....	۱۳
۲- ویژگی‌های اقتصادی.....	۱۴
الف) شاخص‌های فعالیت، اشتغال و بیکاری.....	۱۴
ب) کشاورزی.....	۱۵
ج) باغبانی.....	۱۵
د) صنعت.....	۱۶
ه) واحدهای صنفی.....	۱۷
و) بازرگانی داخلی.....	۱۷
ز) بازرگانی خارجی.....	۱۸
سیری بر مهم‌ترین وقایع تاریخی سردشت.....	۱۹
۱- سردشت در دوران باستان.....	۱۹
۲- سردشت در دوران اخیر.....	۲۰
آثار و جاذبه‌های تاریخی.....	۲۱
 فصل دوم: آشنایی با عوامل شیمیایی و پیامدهای آن.....	۲۵
سلاح‌های کشتار جمعی و تاریخچه کاربرد سلاح‌های شیمیایی.....	۲۷
انواع سلاح‌های شیمیایی.....	۳۱
۱- وی ایکس.....	۳۱
۲- سارین.....	۳۱

۳۱	۳- گاز خردل
۳۲	۴- سیاه زخم
۳۲	۵- بوتولینوم توکسین
۳۳	۶- افلاتوکسین
۳۳	عوامل شیمیایی و خصوصیات آن
۳۴	۱- عوامل کشنده
۳۴	الف) عوامل خون
۳۴	ب) عوامل اعصاب
۳۵	ج) عوامل خفه کننده
۳۵	۲- عوامل زیان بخش
۳۶	۳- عوامل ناتوان کننده
۳۶	۴- عوامل ضد گیاه
۳۶	۵- توکسین ها
۳۷	مسیرهای جذب عوامل شیمیایی
۳۷	پیامدهای اجتماعی و روانی کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی و بیولوژیک
۳۷	هراس
۳۸	ترس از آلوده شده گان
۳۸	دگرگونی در سازمان دهی اجتماعی
۳۹	پیامدهای حاصل از مواد ویژه (ال- اس- دی و BZ):
۳۹	تاریخچه خلع سلاح شیمیایی
۴۳	فصل سوم: جنگ شیمیایی عراق علیه ایران
۴۵	حملات شیمیایی عراق به ایران

۴۸	واکنش سازمان ملل متحد به بمباران شیمیایی ایران
۵۰	بمباران شیمیایی مناطق مسکونی ایران توسط رژیم عراق
۵۳	فصل چهارم: نگاهی به برخی از ابعاد بمباران
۵۳	شیمیایی سردشت
۵۵	اوضاع سردشت در سال‌های جنگ تحمیلی ایران و عراق
۵۶	مکان‌های اصلی بمباران شیمیایی سردشت
۵۷	عامل شیمیایی استفاده‌شده در سردشت و علائم بالینی آن
۵۹	۱- علائم بالینی مسمومیت با گاز خردل
۵۹	الف) اثرات چشمی:
۶۰	ب) عوارض پوستی:
۶۰	ج) اثرات بر دستگاه تنفسی:
۶۱	د) اثرات بر مغز استخوان:
۶۱	ه) اثرات بر دستگاه گوارش:
۶۱	و) اثرات سیستمیک:
۶۳	علت بمباران شیمیایی سردشت
۶۴	آمار شهدا و مجروحان بمباران شیمیایی
۶۵	زنان و بمباران شیمیایی
۶۶	بمباران شیمیایی و تشکیل انجمن دفاع از حقوق مصدومان شیمیایی سردشت
۶۸	کشف بمب شیمیایی منفجرنشده در سردشت
۶۹	اطلاعات جزئی درباره بمباران شیمیایی سردشت

فصل پنجم: دشواری‌ها و دل‌مشغولی‌های تدوین تاریخ شفاهی بمباران شیمیایی سردشت	
(خاطرات ریزان حکمت).....	۷۱
انگیزه‌ی تدوین این کتاب.....	۷۳
همکاری و همدلی اعضای انجمن دفاع از حقوق مصدومان شیمیایی سردشت.....	۷۵
بازنویسی مکالمه‌های ضبط‌شده و تایپ آن‌ها.....	۸۰
سفر تهران و آشنایی با ابعاد دیگری از بمباران شیمیایی.....	۸۲
مشاهده عکس‌های بمباران شیمیایی سردشت و همکاری‌های دیگر انجمن.....	۸۸
مصاحبه با چند تن از زنان مصدوم شیمیایی.....	۹۱
در جست‌وجوی مسئولان نهادهای دولتی هنگام بمباران شیمیایی.....	۹۴
گفت‌وگو با پزشک حاضر در صحنه بمباران شیمیایی.....	۱۰۱
مصاحبه با قشرهای مختلف مردم.....	۱۰۳
برخی از موانع انجام مصاحبه.....	۱۰۵
فصل ششم: آشنایی کوتاه با مصاحبه‌شوندگان از زبان خودشان.....	۱۰۹
فصل هفتم: واکنش مردم در زمان وقوع بمباران شیمیایی سردشت.....	۱۳۱
فصل هشتم: آگاهی مردم از بمباران شیمیایی و اثرات ناشی از آن.....	۱۷۳
فصل نهم: تدابیر، امکانات و کمک‌هایی اولیه لازم در زمان بمباران شیمیایی سردشت.....	۲۱۳
فصل یازدهم: عوارض جسمی و روحی ناشی از بمباران شیمیایی سردشت.....	۲۵۵
فصل دوازدهم: محل شهادت افراد.....	۲۸۹
فصل سیزدهم: تلفات ناشی از بمباران شیمیایی سردشت.....	۳۰۳
فصل چهاردهم: دلایل انتخاب سردشت برای بمباران شیمیایی از سوی عراق.....	۳۲۹
فصل پانزدهم: تأثیر بمباران شیمیایی بر طبیعت شهر.....	۳۴۵

فصل شانزدهم: آثار ماندگار و درازمدت زمانی ناشی از بمباران شیمیایی سردشت در منطقه.	۳۵۹
فصل هفدهم: تأثیر بمباران شیمیایی بر مواد غذایی منطقه.....	۳۷۵
فصل هیجدهم: اشعار، ترانه‌ها و مویه‌های متأثر از بمباران شیمیایی.....	۳۹۵
فصل نوزدهم: خدمات موردنیاز مصدومان و انتظارات مردم از دولت.....	۴۰۷
گفتار پایانی.....	۴۳۱
جمع‌بندی و ارزیابی.....	۴۳۱
منابع و مأخذ.....	۴۳۷
ضمایم.....	۴۴۵
عکس‌های از فاجعه بمباران شیمیایی سردشت ۷ تیرماه سال ۱۳۶۶.....	۴۴۷
وضعیت مصدومان سال‌ها بعد از بمباران شیمیایی سردشت.....	۴۶۲
روزنامه‌های ۷ تیرماه سال ۱۳۶۶ ه.ش درباره بمباران شیمیایی سردشت.....	۴۶۴
جداول.....	۴۷۱
جدول (۱): عوامل شیمیایی.....	۴۷۳
جدول (۲): شناسایی بوهای عوامل شیمیایی.....	۴۷۴
جدول (۳): آمار حملات شیمیایی دشمن به شهرستان سردشت.....	۴۷۵
جدول (۴): اثرات بعضی از عوامل شیمیایی بر روی خصوصیات ظاهری مواد غذایی.....	۴۷۵
جدول (۵): حداکثر غظلت مجاز عوامل شیمیایی در آب آشامیدنی.....	۴۷۶
جدول (۶): انواع موارد آلودگی و چگونگی رفع آلودگی آن‌ها.....	۴۷۶
جدول (۷): اطلاعات افراد مصاحبه‌شونده.....	۴۷۷

مقدمه

دوره هشت ساله جنگ عراق علیه ایران از یک سو، آکنده از ایستادگی ها، مقاومت ها و رشادت ها و از جهت دیگر، عرصه بروز فجایع و خشونت های گسترده است که نگارش و تدوین آن ها یک ضرورت تاریخی اجتناب ناپذیر شمرده می شود. فاجعه بمباران شیمیایی سردشت و کاربرد سلاح شیمیایی علیه شهروندان بی دفاع از سوی رژیم عراق در سال ۱۳۶۶ نمونه ای بارز از این نوع رویدادهاست که نه تنها از مهم ترین و در عین حال غم انگیزترین رخداد تاریخی این خطه، بلکه صحنه ای بس دل خراش در تاریخ ایران به شمار می آید. اوج فاجعه و اهمیت این موضوع زمانی آشکار می شود که بدانیم این شهر اولین قربانی سلاح شیمیایی در دنیا در سال های پس از جنگ جهانی است.^۱

از آنجا که این حادثه هنوز در حوزه بررسی ها و مطالعات تاریخ نگاران قرار نگرفته و اطلاعات مربوط به آن همچنان به صورت شفاهی باقی مانده است، تردیدی نیست که باید هر چه سریع تر نسبت به ثبت و تدوین آن همت گماشت تا به باد فراموشی سپرده نشود. آنچه ضرورت و اهمیت این کار را نشان می دهد، شهادت انبوهی از بازماندگان این حادثه است. البته منظور از بازماندگان کسانی

۱- مهدی فعال، باید نسبت به سلاح های شیمیایی ایجاد حساسیت کرد، ماهنامه فرهنگی تاریخی یاران

شاهد، شماره ۲۰، تیرماه، ۱۳۸۶، ص ۱۷.

هستند که در هنگام بروز حادثه شرایط سنی آنان اجازه می‌داد که رخدادها را به‌خاطر بسپارند و اکنون نیز می‌توانند خاطراتشان را روایت کنند.

می‌دانیم بسیاری از قربانیان این فاجعه انسانی، کودکانی بوده‌اند که هرچند اکنون در سنین جوانی قرار دارند اما خاطره‌ای از آن صحنه دل‌خراش به یاد ندارند. هرچند تدوین خاطرات این نسل و بیان دردها و رنج‌های آنان نیز بخشی از تاریخ این سرزمین بوده و تدوین آن‌ها نیز به همان نسبت ضروری است.

از همین‌رو، این اثر می‌کوشد با طرح یک‌رشته پرسش‌های کلی و با استفاده از روش مصاحبه، پاره‌ای از مسائل و موضوعات ناشناخته این رخداد را با چند تن از ناظران این واقعه در میان نهد و با گردآوری بخشی از داده‌های خام، دریچه‌ای تازه به‌سوی این موضوع بگشاید تا این داده‌ها بعدها دست‌مایه پردازش و تحلیل علمی قرار گیرند.

با توجه به آنچه گفته شد، درباره این رخداد مهم، تاکنون هیچ پژوهش جدی صورت نگرفته است. ادبیات پژوهشی این رویداد، به چند مصاحبه در مناسب‌های تقویمی از جمله سالروز این رخداد و یا حداکثر به چند خاطره پراکنده محدود می‌شود. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «بوی ناآشنا» اثر آقای حسین محمدیان اشاره کرد. نامبرده در این اثر کوشیده است، حالات و وضعیت خاص خود را پس از مصدومیت و اعزامش به بیمارستان‌های مختلف ایران و نیز اعزامش به خارج از کشور را به نگارش درآورد. ویژگی این اثر نگارش روزبه‌روز رخدادها و تأکید بر فرایند مداوای نامبرده و سایر مصدومان شیمیایی و بیان عوارض جسمی ناشی از بمباران است.

کتاب «عصر آتش» اثر امیر رشیدی که در آن به بحث درباره بمباران سردشت و حلبچه پرداخته حاوی مطالبی درباره آشنایی با انواع مواد شیمیایی جنگی و نیز

مواد میکروبی و هسته‌ای است. در این کتاب، جدولی از بیماری‌ها، نشانه‌ها، عوارض و پیامدهای ناشی از کاربرد این مواد ارائه شده است. فصلی از این کتاب به مسائل بمباران شیمیایی سردشت و برآورد آمار مصدومان آن و واکنش سازمان‌های بین‌المللی در برابر آن اختصاص دارد.

کتاب کوچک و کم حج «سردشت: راهیان نور» در اصل، نگاهی اجمالی به وضعیت سردشت در زمان جنگ دارد. در این اثر به درگیرهای در منطقه، بمباران‌های هوایی و نیز بمباران شیمیایی سردشت اشاراتی شده است.

از آثار دیگر در این زمینه می‌توان به‌ویژه نامه «شاهد یاران» اشاره کرد که حاوی یک‌رشته گفت‌وگوهای پراکنده با برخی از بازماندگان حادثه است و در کنار آن، می‌توان به‌ویژه نامه شهدا و جانبازان بمباران شیمیایی سردشت اشاره کرد که از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران آذربایجان غربی انتشار یافته است. این اثر دربردارنده چندین گفت‌وگو با مقامات مسئول و نیز دکتر حسن سقط فروش - تنها پزشک حاضر در صحنه - است.

کتاب «از سردشت تا ناکازاکی» حاوی اشعار، مویه‌ها و سروده‌های شاعران محلی درباره این حادثه است که اغلب به زبان کردی و در قالب‌های گوناگون شعری سروده شده است. از آنجا که این کتاب تنها اثر منظوم درباره این حادثه است، اثری منحصربه‌فرد محسوب می‌شود.

«جنگ شیمیایی عراق علیه ایران به روایت اسناد سازمان ملل متحد» از دیگر آثار منتشر شده در این حوزه است که حاوی مباحثی درباره تاریخچه کاربرد سلاح‌های شیمیایی و چگونگی استفاده از آن علیه نظامیان و شهروندان ایرانی در طول سال‌های جنگ و نیز واکنش محافل بین‌المللی است که در آن اشارات

پراکنده‌ای نیز به موضوع بمباران شیمیایی سردشت شده است.

کتاب «بمباران شیمیایی سردشت ۷ تیر ۱۳۶۶» اثر آقای عمر لحاف‌دوزی از دیگر آثار موجود در این باره است که حاوی چند خاطره و چند مصاحبه منتشر شده در جراید کشور به همراه خاطرات خود نویسنده درباره این حادثه است. در پایان می‌توان به خبرنامه «انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت» به نام "پوشپه ر" اشاره کرد که در شماره‌های مختلف آن به اطلاعات متعدد درباره این حادثه پرداخته است.

تردیدی نیست، آثار یادشده دارای اطلاعات سودمندی درباره بمباران شیمیایی سردشت بوده و هر یک به سهم خود بازگوکننده بخشی از ناگفته‌های این حادثه هستند؛ اما واقعیت این است که این آثار هرگز نتوانسته‌اند همه خلاءهای موجود در این باره را پر کنند. از این رو، گردآورندگان مجموعه حاضر کوشیده‌اند به ابعاد دیگری از این ماجرا اشاره کنند. تفاوت اصلی کتاب حاضر با آثار موجود، در این است که قصد دارد، این رویداد را از دو دیدگاه متفاوت فردی و اجتماعی مدنظر قرار دهد؛ یعنی در عین توجه به خاطرات شخصی مصدومان شیمیایی، این رویداد را از آن جهت که همه مردم شهر با آن دست‌به‌گریبان بوده‌اند نیز مورد بررسی قرار دهد و به موضوعات و مسائلی توجه کند که تا این زمان کم‌تر محل توجه بوده‌اند. امید است، با ورود محققان به این حوزه و نیز با استفاده از ابزارها و روش‌های میدانی به‌ویژه مصاحبه، بتوان ابعاد دیگر این فاجعه را بیش‌ازپیش روشن ساخت. از این رو، اثر حاضر را باید به‌مثابه گامی کوچک در این مسیر تلقی کرد که در تدوین آن سعی شده است عین گفته‌های مصاحبه‌شوندگان با اندکی ویرایش در متن کتاب بازتابانده شود. ویرایش‌های مزبور عمدتاً باهدف روان‌سازی متن و نیز پاره‌ای تغییر در لحن محاوره‌ای مصاحبه‌ها بوده است. البته در این ویرایش سعی بر

مقدمه ف

آن است امانت‌داری در متن گفتارها رعایت شود. گفتنی است این مصاحبه به اقتضای علاقه و رعایت حال مصاحبه‌شوندگان به زبان فارسی و گاه کردی صورت گرفته است و پرسش‌های زیر مبنای گفتگوها بوده است:

۱- ابتدا خود را به اختصار معرفی کنید و بگوئید در زمان بمباران شیمیایی چند سال داشتید و چه کار می‌کردید؟

۲- واکنش مردم در زمان وقوع بمباران شیمیایی سردشت چگونه بود؟ واکنش شما چگونه بود؟

۳- آیا مردم هیچ اطلاعی از اینکه در زمان بمباران شیمیایی باید چه کارهایی انجام دهند، داشتند؟ شما چه اقدامی انجام دادید؟

۴- هنگام بمباران شیمیایی، مردم بعد از چه مدتی شهر را تخلیه کردند؟ شما چه زمانی شهر را ترک نمودید؟

۵- تلفات ناشی از بمباران تا چه حد بود؟ آیا هنوز هم تلفات ناشی از بمباران ادامه دارد؟ بر شما و خانواده شما چه نوع صدمات یا تلفاتی وارد آمد؟

۶- چه کمک‌های اولیه‌ای برای درمان و بهبود آسیب دیدگان شیمیایی در زمان بمباران انجام گرفت؟ برای شما و خانواده‌ی شما چه کمک‌های اولیه‌ای صورت گرفت؟

۷- به نظر شما چرا در میان این همه شهر مرزی، سردشت برای بمباران انتخاب شد؟

۸- آثار ناشی از بمباران تا چه زمانی در منطقه پایدار ماند؟

۹- تأثیرات این بمباران بر طبیعت شهر در چه حد بوده است؟

۱۰- بمباران شیمیایی چه نوع عوارض جسمی و روحی بر مردم گذاشت؟ و

به‌طور مشخص بر شما و اعضای خانواده‌ی شما چه آثاری بر جا نهاد؟

۱۱- آثار ناشی از بمباران بر آذوقه و مواد اولیه چه بود؟ شما با آذوقه و مواد غذایی موجود در خانه خودتان چه کار کردید؟

۱۲- محل شهادت افراد کجاها بود؟ محل شهادت افراد خانواده‌ی شما کجا بود؟

۱۳- چه نوع شعرها، ترانه‌ها، سروده‌ها و مویه‌هایی متأثر از این حادثه سروده شدند و بر سر زبان‌ها افتادند و یا در زمان وقوع حادثه خوانده شد؟ نمونه‌ای نقل کنید؟

۱۴- به‌عنوان یک شهروند ایرانی چه انتظاری از دولت جمهوری اسلامی ایران دارید؟ به‌طور مشخص دولت چه اقدام و حمایتی از شما به عمل آورده است؟ البته در مصاحبه‌های اولیه تعداد پرسش‌ها به‌مراتب کمتر بود؛ اما رفته‌رفته در یک‌روند تکاملی هم بر تعداد پرسش‌ها افزوده شد و هم پرسش‌ها از غنا و جامعیت بیشتری برخوردار شدند. لذا اگر برخی از مصاحبه‌شوندگان به برخی از این پرسش‌ها پاسخ نگفته‌اند صرفاً به همین علت است.

حال شایسته است پیرامون روش ساماندهی این کتاب - که البته در نوع خود یک ابتکار محسوب می‌شود - اندکی درنگ کنیم. این مجموعه در اصل حاوی مصاحبه‌های مجزا و منفصل از یکدیگر است که با برخی از مصدومان و بازماندگان این حادثه صورت گرفته است که در میان آن‌ها از اقشار و طبقات مختلف اجتماعی، با سنین متفاوت اعم از زن و مرد حضور دارند. این مصاحبه‌ها به دو صورت کتبی و شفاهی صورت گرفته است. البته تا آنجا که مقدور بود و نیز امکانات و مقتضیات مربوطه یاری می‌کرد، بر مصاحبه و گفت‌وگوی حضوری تأکید کردیم، زیرا بر این باور بودیم که آن مهم‌ترین راه انعکاس خاطرات ناگفته و

مقدمه ق

اخبار انتشار نیافته بازماندگان این رویداد جنگی است، اما هر جا که احساس شد نمی‌توان از این روش بهره جست یا به هر دلیل امکان مصاحبه حضوری و گفت‌وگو وجود نداشت به روش مصاحبه کتبی روی آوردیم. در این شیوه، پرسشنامه‌ای که حاوی سؤالات مکتوب بود، در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و پاسخ‌های مکتوب آنان گردآوری شد.

در هر دو روش (شفاهی و کتبی) پرسش‌های مطرح‌شده یکسان است اما به اقتضای گفت‌وگوهای حضوری امکان طرح پرسش‌های تکمیلی و نیز پاسخ‌های تفصیلی فراهم شد که در مصاحبه کتبی و پرسشنامه‌ای از این امکان محروم بوده‌ایم؛ اما نکته مهم این است که باوجود طرح پرسش‌های یکسان، پاسخ‌ها و روایت‌های مطرح‌شده با یکدیگر متفاوت و از همین رو بسیار شنیدنی است.

با عنایت به آنچه گفته شد، درروش سازمان‌دهی این کتاب تلاش شده است به‌جای انتشار مجزا و انفرادی مصاحبه‌ها، هر سؤال مبنای یک فصل مجزا باشد؛ یعنی پاسخ افراد پیرامون هر یک از پرسش‌ها در کنار سایر پاسخ‌ها قرار گیرد. این کار به چند علت انجام گرفت. نخست: بی‌تردید مطالعه انفرادی خاطرات، شناخت کافی از ابعاد حادثه به دست نمی‌دهد، اما هنگامی که پاسخ‌ها در کنار یکدیگر قرار گیرند، شناخت به‌مراتب کامل‌تری حاصل می‌شود. دوم: پاسخ‌های متفاوت به موضوع و نگاه‌های متفاوت در کنار یکدیگر هم بر جذابیت کار می‌افزاید و هم استحکام علمی آن را تقویت می‌کند زیرا موجب می‌شود روایت‌ها کاستی‌های یکدیگر را بپوشانند و جنبه‌های ناگفته را روشن گردانند. سوم: تنها با همین روش است که امکان مقایسه بهتر روایت‌ها با یکدیگر فراهم می‌آید، درنتیجه، اعتبار روایت‌ها و نیز متواتر بودن و حتی مغایر بودن آن‌ها با یکدیگر سنجیده می‌شوند و

روایت‌های شال از سایر روایت‌ها بازشناخته می‌شوند. چهارم: این روش یک روش ترکیبی است یعنی چندین روایت پیرامون یک موضوع هم‌زمان مطرح می‌شوند به گونه‌ای که ناظر بر یکدیگر باشند و این روش از نظر منطق علمی معتبرتر از روش تک روایتی است و در منطق روش‌شناختی، تاریخ شفاهی گامی به جلو است زیرا به جای روایت‌های جدا از هم چند روایت پیرامون یک رخداد هم‌زمان مطرح می‌گردند.

این کتاب در نوزده فصل تنظیم شده است. به استثنای پنج فصل اول، بقیه فصل‌ها از ششم تا نوزدهم به مصاحبه با مصدومان بمباران شیمیایی سردشت اختصاص دارند. در فصل اول برحسب ضرورت به معرفی اجمالی شهر سردشت پرداخته‌ایم. فصل دوم، سوم و چهارم به ترتیب به آشنایی با عوامل شیمیایی، جنگ شیمیایی عراق علیه ایران و برخی از ابعاد بمباران شیمیایی سردشت پرداخته شده است. فصل پنجم نیز به علت بیان پاره‌ای از دشواری‌های تدوین تاریخ شفاهی بمباران شیمیایی سردشت، جهت آشنای مخاطبان با موانع کار ضروری به نظر آمد. به همین خاطر این فصل خاطرات خانم ریزان حکمت را بازگو می‌کند و از آنجا که این خاطرات به نوعی یادآور صحنه‌های دل‌خراش و دشوار بمباران شیمیایی است، از حد یک خاطره معمولی بسی فراتر رفته و خود به حکایت و روایتی دیگر از این حادثه تبدیل شده است که در پرتو آن، مخاطبان با جنبه‌های کم‌تر شناخته‌شده این رخداد آشنا می‌شوند.

در پایان نیز به جمع‌بندی داده‌های موجود در این اثر پرداخته است و می‌کوشد تا اهمیت دستاوردهای این پژوهش و نیز کاستی‌های آن را نشان دهد تا راه برای پژوهش‌های بیشتر در این باره هموار گردد. به ویژه پرسش‌های بی‌پاسخ و عرصه‌های جدید پژوهش در این حوزه را نشان دهد.

مسائلی چون مصاحبه با کودکانی که خاطره‌ای از این حادثه در ذهن ندارند ولی با عوارض آن رویاروی هستند، روان‌شناسی و رفتارشناسی مصدومان، رؤیاها و نگرانی‌های مصدومان، آثار این رویداد برای مطالعه زیست‌شناختی، جانورشناسی، لزوم رمان‌نویسی و پرورش جنبه‌های ادبی و هنری این رخداد، فیلم‌نامه‌نویسی، مصاحبه با مسئولان آن‌وقت شهر که چون بومی نبودند ما نتوانستیم آن‌ها را شناسایی کنیم لذا در همین جا تقاضا می‌شود همه‌کسانی که خاطره‌ای از این حادثه دارند یا با اشخاصی سروکار دارند که می‌توانند به این موضوع غنا بخشند به ما معرفی کنند تا به بازتاب خاطرات و سخنان و نظرات و دیدگاه‌های آنان در چاپ‌های بعدی اقدام کنیم.

علیرضا ملائی توانی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران - پاییز ۱۳۹۱

فصل اول

آشنایی با سردشت

جغرافیای طبیعی شهرستان سردشت

۱- موقعیت، حدود و وسعت

شهرستان سردشت با وسعتی بالغ بر ۱۴۱۱.۳۴۴ کیلومترمربع در شمال غربی ایران واقع است که از شمال به شهرستان پیرانشهر، از شمال غربی به مهاباد، از شرق به بوکان، از جنوب به استان کردستان و کشور عراق و از غرب به کشور عراق منتهی می‌گردد. سردشت ۳۰ کیلومتر با کشور عراق فاصله دارد. این شهرستان شامل ۳ شهر، ۲ بخش، ۶ دهستان و ۲۹۷ آبادی مسکونی است و شهر سردشت مرکز آن محسوب می‌شود.^۱

۲- اشکال ناهمواری‌ها و زمین‌شناسی

سردشت از لحاظ زمین‌شناسی جزء زون سندج- سیرجان بوده که متعلق به رشته‌کوه‌های زاگرس است. از نظر سنگ‌های تشکیل‌دهنده بیشترین وسعت منطقه را سنگ‌های دوره کرتاسه و مرمر و سنگ‌های آهکی تشکیل می‌دهند از نظر تکنوتیک منطقه مورد مطالعه تحت تأثیر روندهای حاکم بر غرب آذربایجان بوده که تحت تأثیر فشارهای وارده بر قفقاز و آسیای صغیر قرار دارد و از سوی دیگر

۱. فریدون حکیم‌زاده، سردشت در آئینه اسناد تاریخی، ناشر مؤلف، ۱۳۸۳، ص ۱.

۴ تاریخ شفاهی بمباران شیمیایی سردشت

متأثر از جریان‌های زاگرس شمالی هست و در دنباله راندگی زاگرس به صورت ممتد و غیرممتد در منطقه باعث شکست گسل‌ها شده است که مهم‌ترین آن‌ها گسل (پیرانشهر- سردشت) است. عبور رودخانه زاب از شمال تا جنوب شهرستان سردشت شکل خاصی از توپوگرافی را به این شهرستان داده است به طوری که ناحیه میانی به صورت دره‌ای شمالی- جنوبی کشیده شده و غرب و شرق آن را ارتفاعات محصور نموده است. ارتفاع این کوه‌ها به‌ویژه در بخش غربی و شمال غربی نسبتاً بالا است و ارتفاعات مرز ایران و عراق را تشکیل می‌دهند.^۱

از کوه‌ها و قلل معروف در این بخش می‌توان به هوینه مال، دویزه، برایم جلال، نستان، سه ری گوم، ترخان و گرده سور را نام برد که به لحاظ نظامی و استراتژیکی حائز اهمیت بوده و اغلب از جنگل‌های متراکم با درختانی چون بلوط، مازو، تاکستان‌های وحشی، انجیر، انار و گلابی پوشیده شده است.^۲

۳- شرایط اقلیمی (آب‌وهوایی)

شهرستان سردشت نیز همچون سایر مناطق استان آذربایجان غربی تحت تأثیر جبهه‌های هوایی است که از شمال غربی و گاه غرب وارد استان می‌گردند. این توده‌های هوایی از دریای سیاه و مدیترانه‌ای وارد استان گردیده و به‌ویژه در

۱. رسول فهر، برنامه‌ریزی و اسکان جمعیت شهر سردشت تا افق ۱۴۰۰ ه‍.ش با استفاده از اطلاعات جغرافیایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما علیرضا مستوفی‌الممالکی و علیرضا زارع شاه‌آبادی، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد، ۱۳۸۶، ص ۶۴.

۲. محمدی، یونس (۱۳۹۲)، موزه باستان‌شناسی شهرستان سردشت واقع در ربط، پایان‌نامه کارشناسی، استاد راهنما آرش صدری، رشته معماری، دانشکده فنی مهندسی دارالفنون بجنورد، ص ۱۲۲.

آشنایی با سردشت ۵

زمستان و بهار باعث ریزش‌های جوی نسبتاً خوبی در استان می‌گردند. شرایط توپوگرافی شهرستان سردشت باعث می‌گردد که میزان ریزش‌های جوی حاصل از این توده‌های هوایی بیش از سایر مناطق استان باشد. همچنین امتداد رشته‌کوه‌های غربی استان در نواحی جنوبی‌تر با رشته‌کوه‌های زاگرس پیوند می‌خورد و همچنین دیواری این استان را از ترکیه و عراق جدا می‌سازد. کوه‌های مزبور تنها در منطقه‌ی سردشت در فاصله‌ی کوتاهی بریده‌شده و دوباره امتداد خود را بازمی‌یابند. در نتیجه، شکافی که در این رشته‌کوه در منطقه‌ی سردشت پدید آمده شرایط اقلیمی و پوشش گیاهی خاصی در منطقه حکم‌فرما شده است. به همین دلیل این منطقه از استان بیشترین اراضی جنگلی و نزولات جوی را به خود اختصاص داده است. به‌طوری‌که خطوط هم‌باران بیش از ۷۰۰ میلی‌متر تنها از منطقه‌ی سردشت عبور می‌نماید.^۱

۴- شبکه هیدروگرافی و رودخانه‌ها

به علت بارش فراوان برف و باران شهرستان سردشت از منابع آب بسیار غنی برخوردار است. کل محدوده شهرستان سردشت در حوزه آبریز زاب کوچک قرار گرفته که بخش اصلی حوزه نیز محسوب می‌شود. حوضه‌ی زاب کوچک شهرستان‌های پیرانشهر، سردشت و قسمتی از شهرستان بانه و بخشی از کردستان عراق را نیز در برمی‌گیرد. این حوضه (به‌غیر از ارس) تنها حوضه‌ای است که آب آن کاملاً از کشور خارج شده و خود زیر حوضه‌ای از حوضه‌ی بزرگ‌تر رودخانه دجله و نهایتاً حوضه وسیع خلیج فارس است. عبور رودخانه‌ی زاب کوچک از

۶ تاریخ شفاهی بمباران شیمیایی سردشت

امتداد شمال غربی جنوب شرقی و سپس کل ناحیه جنوب غربی سردشت شرایط قابل توجهی را جهت آبیاری در این منطقه به ویژه نواحی اطراف رودخانه و دشت سردشت به وجود آورده است. نواحی اطراف این رودخانه در شرق سردشت و نواحی جنوبی شهرستان می تواند به رواج هرچه بیشتر کشت های آبی منطقه کمک نماید. علاوه بر آن می توان با ایجاد سد بر روی رودخانه برق فراوانی به دست آورد. مطالعات احداث سد بر روی رود زاب از سال های ۱۳۴۲ هـ ش شروع شده و از سال ۱۳۸۵ کار عملیاتی آن نیز در حال انجام هست که بر اساس بیانات مسئولین امر یکی از بزرگ ترین سدهای خاکی ساخته شده در کشور خواهد بود.^۱

۵- پوشش گیاهی

شهرستان سردست تنها شهرستان استان آذربایجان غربی است که دارای پوشش جنگلی جنگل های غرب ایران است. این واقعیت نشان دهنده استعداد های طبیعی منطقه است که آن را از سایر شهرستان های استان متمایز ساخته است.^۲ وضعیت خاص جغرافیایی در شهرستان سردشت و به دنبال آن بارندگی های نسبتاً زیاد در این ناحیه باعث تنوع پوشش گیاهی آن گشته است. مساحت جنگل های سردشت بالغ بر ۸۰۰۰۰ هکتار است که حدود ۴۶ درصد کل مناطق جنگلی استان را شامل می گردد. مناطق جنگلی سردشت به اضافه بخش کوچکی از جنگل های منطقه پیرانشهر تنها جنگل های متراکم استان محسوب

۱. سعید خضری، جغرافیای طبیعی کردستان موکریان (با تأکید بر حوضه زاب)، انتشارات ناقوس، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۲.

۲. خضری، سعید، جغرافیای سردشت، انتشارات دانشگاه کردستان، سنندج، ۱۳۹۱، ص ۱۵.

می‌شوند. مهم‌ترین گونه‌های جنگلی در این ناحیه بلوط و پنبه و سایر درختان وحشی از قبیل انگور وحشی و گلابی هست. از گونه‌های باارزش درختان این جنگل‌ها همچون بلوط و پنبه می‌توان محصولات فرعی دیگری از قبیل مازو، گزانگین، سقز و حتی موارد دارویی به دست آورد.^۱



شکل ۱-۱. جنگل‌های بلوط سردشت

در این میان جنگل‌های بلوط سردشت حدفاصل بین رودخانه زاب و مرز ایران و عراق ازجمله اکوسیستم‌های نادر جنگلی است که دارای تنوع حیات‌وحش و زیستگاه آن‌هاست. این اکوسیستم نادر در طی سال‌های گذشته به شدت تخریب شده است. از عوامل مهم دخیل در تخریب این جنگل‌ها طی دو دهه اخیر می‌توان به قطع درختان به منظور تأمین سوخت، شاخه‌زنی جهت تأمین علوفه زمستان دام، قطع یکسره و تراشیدن جنگل به منظور ایجاد اراضی و

۱. حمه رستمی حامد، موزه جنگ شیمیایی شهرستان سردشت، پایان‌نامه کارشناسی، استاد راهنما عباس خداپنده، رشته معماری، دانشکده فنی مهندسی دارالفنون بجنورد، ۱۳۹۳، ص ۱۹۶.

بوستان، حضور دائمی دام‌ها، مخصوصاً بز در جنگل‌ها، آتش‌سوزی‌های ناشی از جنگ و تبعات آن به همراه عوامل آب و هوایی، توپوگرافی و خاک اشاره کرد. علاوه بر این، جنگل شهرستان سردشت دارای مرتع نسبتاً مناسبی است. وسعت مراتع این شهرستان بالغ بر ۷۰۰۰۰ هکتار است.^۱

براساس تحقیقات گیاه‌شناسی در منطقه سردشت و حومه زاب نوعی شقایق وحشی یافته شده که با تبخیر هسته آن دارویی برای مبارزه با اعتیاد به دست می‌آید. این گیاه در کنگره جهانی داروشناسی تأیید شده و به نام «گیاه آریا» ثبت گردیده است.^۲

۶- جاذبه‌های طبیعی - محیطی سردشت

ناحیه سردشت به دلیل وجود منظره‌های طبیعی - محیطی با داشتن پوشش جنگلی وسیع و منابع آب فراوان دارای جاذبه‌های بسیار زیادی است و در آن ترکیبی از دره‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها، چشمه‌ها، چمنزارها، بیشه‌ها، مراتع، چشم‌اندازهای طبیعی بکر و آثار تاریخی به چشم می‌خورد. افزون بر این، وجود آداب و رسوم و دیگر ویژگی‌های فرهنگی ناحیه، این شهرستان را به یک محدوده جغرافیایی استثنایی تبدیل کرده است و همین عوامل موجب جذب توریست‌های فراوان داخلی و خارجی شده است که در اینجا تنها به تعدادی از این جاذبه‌ها اشاره می‌شود:

۱. حمه رستمی، حامد، همان، ص ۱۹۷

۲. خضری، سعید، همان کتاب، ص ۳۶



شکل ۱-۲. آبشار شلماش

الف) آبشار شلماش

شلماش دره‌ای در جنوب شهر سردشت و مملو از آبشارهای متوالی و پوشش جنگلی است. یکی از مهم‌ترین آبشارهای حوزه زاب موسوم به آبشار شلماش در نزدیکی شهر سردشت قرار دارد. در پایین‌دست جاده سردشت - شلماش نرسیده به روستای شلماش ۳ آبشار هر یک به فاصله تقریبی ۲۰۰ متری نمایان هستند که آبشار جنوبی‌تر به علت ارتفاع زیاد و شکست شیب در مرکز آن ۲ آبشار تلقی می‌شود و آبشار شمالی‌تر که در اطراف آن پوشش جنگلی متراکم وجود دارد از چشم‌اندازهای طبیعی زیبای منطقه محسوب می‌شود و همه‌ساله هزاران نفر از اقصای نقاط کشور از آنجا بازدید می‌کنند.^۱

۱. حکیم‌زاده، پیشین، ص ۳



شکل ۱-۳. چشمه گراوان

ب) چشمه گراوان

چشمه معدنی گراوان واقع در روستای کانی گويز، در نزدیکی شهر تاریخی ربط واقع است. آب این چشمه گازدار و دارای املاح فراوانی است و در درمان ناراحتی‌های پوستی مورد استفاده قرار گرفته است. املاح آب پس از خروج از چشمه بی‌درنگ در همان محل ته‌نشین می‌شود و به‌صورت تپه نارنجی‌رنگ بزرگ زیبایی درآمده است. املاح موجود در این چشمه حداقل یک گرم در لیتر هست. این چشمه در کل معدنی و گازدار است که آب به‌صورت جوشان از آن بیرون می‌زند. آب این چشمه پس از جاری شدن بر سطح زمین از خود موادی بر جای می‌گذارد که روزبه‌روز بر حجم توده مخروطی شکل آن افزوده گردیده و یکی از نادرترین و زیباترین جلوه‌های طبیعت را در منطقه به وجود آورده است.^۱

آشنایی با سردشت ۱۱



ج) رودخانه زاب (که لوی)

رودخانه زاب با طول ۴۰۰ تا ۴۴۰ کیلومتر در مسیر خود دره‌ها و چشم‌اندازهای زیبایی را به وجود آورده است.^۱

د) تفرجگاه بیوران

تفریحگاه بیوران در شمال غربی شهر سردشت با پوشش جنگلی وسیع و چشمه‌های فراوان آب واقع شده است.

ه) دشت وزنه

دشتی واقع در شمال غربی شهرستان، با ارتفاع ۱۷۰۰ متری از سطح دریا، با چمنزارهای وسیع که رودخانه‌ای از وسط آن می‌گذرد و در فصل بهار نظر علاقه‌مندان بسیاری را به خود جلب می‌کند.

و) دره گرژال

دره گرژال در مسیر رودخانه زاب در امتداد جاده سردشت به پیرانشهر واقع

است که جلوه‌های زیبایی از طبیعت را به نمایش می‌گذارد.

ز) روستای نستان

این روستا در شمال غربی شهر ربط واقع است و از منظره‌های دل‌انگیزی برخوردار است.

ح) منطقه‌ی آلان

منطقه آلان در جنوب غربی شهر سردشت واقع است و چندین روستا را در برمی‌گیرد. این منطقه دارای پوشش جنگلی و گیاهی و باغ‌های فراوان میوه و چشم‌انداز زیبا است.

ط) غار آهکی روستای درمان آباد

این غار در جنوب غربی شهر سردشت واقع است، ولی هنوز به‌صورت رسمی شناسایی و مسیریابی نشده است و فقط اهالی این روستا و تعدادی از کوه‌نوردان منطقه به درون آن راه‌یافته‌اند. شایان گفتن است که افزون بر این غار، غارهای آهکی بسیار دیگری در منطقه وجود دارند هنوز قابل‌استفاده توریستی نیست.^۱

وجه تسمیه سردشت

مردم سردشت براساس روایت‌های عامیانه، این شهر را زادگاه زرتشت پیغمبر ایرانی می‌دانند و از آنجا که این نام را درکردی زرتشت و زادشتره می‌خوانند، عقیده دارند که سردشت همان زرتشت است که بعد از حمله اعراب به ایران به

۱. ابراهیمی، ناصر (۱۳۸۳)، ارزیابی اقلیم برای توریسم در شهرستان سردشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما حسین مراد خانی، رشته جغرافیای طبیعی، گرایش اقلیم‌شناسی، دانشگاه تهران،

سردشت تغییر نام داده است. البته این روایت هنوز در میان بسیاری از مورخان و باستان‌شناسان معتبر است که زرتشت در جنوب شرقی کردستان و در اطراف دریاچه‌ی ارومیه به دنیا آمده و بعدها به خراسان رفته است. هنوز در بعضی از روستاهای دوروبر سردشت جای آتشکده‌های قدیمی به چشم می‌خورد؛ مانند روستای ولیو، لیلانه، گرور و هرمزآباد. در روستای عثمان آباد در آن‌سوی زاب آتشکده‌ی کوشک و آثاری از یک قلعه باستانی دیده می‌شود. بوکه بارانه و زدن دف همراه تشییع مردگان که هم‌اکنون هم تا حدی در منطقه‌ی سردشت رایج است، از جمله مراسم زرتشتیان قدیم بوده است. افزون بر این آثار تاریخی زیادی از دوره‌ی ایران باستان در این منطقه برجای مانده که یکی از مشهورترین آن‌ها قلعه‌ی «وارشی قاضی آوی» مربوط به دوره اشکانیان است.^۱ سردشت فعلی قبل از اسلام در ضلع شمال غربی شهر کنونی در کنار چشمه‌ی آب بزرگی قرار داشته و مدتی به نام «نیوزه رو» نامیده می‌شد و دارای برج و باروی محکمی بود که آثار آن هنوز پیداست.

جغرافیای انسانی شهرستان سردشت

۱- جمعیت

جمعیت کل شهرستان براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۱۰۵۵۶۹ نفر بوده که ۵۰۴۵۳ نفر آنان شهرنشین بوده‌اند و بقیه ۵۵۱۱۶ نفر در مناطق روستایی ساکن. این شهرستان که حدود ۳/۸ درصد وسعت استان را در برمی‌گیرد، بالغ‌بر ۳/۷ درصد از جمعیت استان را نیز در خود جای داده است. بخش عمده‌ی جمعیت

۱. حکیم‌زاده، پیشین، ص ۱۹

و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مردم این منطقه در مناطق پست اطراف رودخانه زاب متمرکز شده است.^۱

۲- ویژگی‌های اقتصادی

شهرستان سردشت، شهری مرزی بوده و بر همین اساس ویژگی‌های اقتصادی منطقه هم متأثر از مرز است و معیشت بسیاری از مردم از طریق مرز تأمین می‌شود.

الف) شاخص‌های فعالیت، اشتغال و بیکاری

اگر بر مبنای جمعیت ده‌ساله‌های شهرستان و بیشتر جمعیت پایه، به بررسی ساختار نیروی انسانی بپردازیم، در شهرستان سردشت ۳۵/۱ درصد جمعیت پایه از نظر اقتصادی فعال بوده و بقیه ۶۴/۹ درصد غیر فعال هستند. از جمعیت غیر فعال شهرستان سردشت ۲۸/۶ درصد دانش‌آموز، ۵۸/۲ درصد خانه‌دار، ۱/۴ درصد دارای درآمد بدون کار و ۱۱/۷ درصد اظهار نشده و بقیه جزو سایر موارد می‌باشند. نرخ عمومی فعالیت برای شهر سردشت ۳۳/۴ درصد محاسبه گردیده که با توجه به نرخ فعالیت استان، این نرخ در شهر سردشت پایین است که بیانگر جوانی جمعیت و افزایش جمعیت غیر فعال است. نرخ اشتغال ارسال ۱۳۷۵ برای شهرستان سردشت برابر با ۳۲/۹ درصد بوده است. به عبارت دیگر تعداد کل شاغلان این شهرستان در سال مورد نظر، معادل ۲۱۳۳۶ نفر هست.^۲

۱. حکیم‌زاده، پیشین، ص ۱

۲. حمه رستمی، پیشین، ص ۱۹۸

ب) کشاورزی

شهرستان سردشت از نظر شرایط آب و هوایی و اقلیمی جزو مناطق سرد و مرطوب است. حفظ خاک زراعی در ارتفاعات و بارندگی مناسب، موجب توسعه کشت انگور به صورت دیمی در ارتفاعات شده است. کشاورزی به علت ناهمواری منطقه توسعه نیافته و بیشتر کشت ها به شیوه دیمی است. انگور سیاه و توتون در آن زیاد به چشم می خورد. انگور سیاه این منطقه به طلای سیاه مشهور شده است.

جریان آب های سطحی به صورت رودخانه زاب در شهرستان جریان دارد که به علت مسیر جریان و توپوگرافی منطقه و عدم تأسیسات مهار و انتقال آب، در اراضی مرتفع شهرستان سردشت قابل استفاده نیست و فقط قطعات کوچکی از اراضی پست که در مسیر رودخانه مذکور قرار دارند از طریق سدهای کوچکی، آب به آن اراضی هدایت می شود و قابل بهره برداری است. آب بعضی از اراضی مرتفع به صورت محدود به وسیله آب چشمه تأمین می شود. بقیه (اراضی جنگلی، مراتع و مزارع دیم) کاملاً به نزولات سالانه متکی است.^۱

ج) باغبانی

محصولات باغی غالب استان سیب و انگور است. در شهرستان سردشت به علت محدودیت منابع قابل دسترسی دائمی به آب، با توجه به ظرفیت هایش بیشتر می تواند شکوفا شود. اکنون مجموع سطح زیر کشت سیب باغی بیش از ۷۸۵ هکتار و تولید آن حدود ۶۳۷۶ تن است. تولید انگور در شهرستان سردشت به علت بارندگی و نزولات سالانه مناسب دارای سطح زیر کشت دیمی بالغ بر

۱. حکیم زاده، پیشین، ص ۲

۴۸۶۳ هکتار و تولید سالانه حدود ۱۴۵۸۹ تن است. موقعیت این محصول در سطح استان از نظر سطح زیر کشت بعد از شهرستان ارومیه در مقام دوم و از نظر میزان تولید بعد از ارومیه و میاندوآب در مرتبه سوم قرار دارد.^۱



۱-۵. باغ انگور در سردشت

(د) صنعت

براساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ حدود ۶/۸ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر شهرستان سردشت در گروه عمده شغلی صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوطه به فعالیت اشتغال دارند. شهرستان سردشت زمینه‌های مساعدی در گرایش به فعالیت‌های صنعتی نداشته است. از طرف دیگر توزیع نیروهای شاغل در بخش‌های سه‌گانه اقتصادی این شهرستان نیز نشان‌دهنده سهم اندک بخش صنعت در مقایسه با شاخص استان است. بر این اساس در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۸/۶ درصد از جمعیت شاغل در بخش صنعت به

۱. حمه رستمی، پیشین، ص ۲۰۰

فعالیت اشتغال داشته‌اند، در حالی که این رقم در استان ۲۵/۷۷ درصد هست.^۱

ه) واحدهای صنفی

در شهرستان سردشت ۴ مجمع صنفی توزیعی - خدماتی و تولیدی - خدمات فنی فعال هستند. مجمع توزیعی و خدماتی دارای ۱۴ اتحادیه و مجمع تولیدی و خدمات فنی دارای ۵ اتحادیه است. به نظر می‌رسد که شهرستان سردشت با توجه به ظرفیت‌ها و نسبت به وسعت و جمعیت خود می‌تواند از تعداد بیشتری واحدهای توزیعی - خدماتی بیشتری برخوردار باشد. با احتساب جمعیت ۹۳۱۶۸ نفر، هر واحد صنعتی به ۷۲ نفر و هر واحد صنفی توزیعی به ۱۰۱ نفر خدمات ارائه می‌کنند. شهرستان سردشت در بعد تعاونی نیز موفقیت‌های چندانی به دست نیاورده و گرایش غالب تعاونی‌ها در سردشت تعاونی‌های مصرف آموزشی بوده است.^۲

و) بازرگانی داخلی

وضعیت بازرگانی داخلی در شهرستان سردشت چندان مطلوب نیست. از یک طرف این شهرستان از زیرساخت‌های لازم برای توزیع و نگهداری مناسب کالاها برخوردار نیست و از طرف دیگر به دلیل اشتغال به واسطه‌گری و قاچاق، پیکره‌ی بخش خدمات به‌ویژه زیر بخش بازرگانی ناسالم است. علاوه بر کالاهای وارده از طریق بازارچه مرزی و کالاهای قاچاق، عمده خریدهای کالای این شهرستان از شهرهای ارومیه و تهران صورت می‌گیرد. فروشگاه‌های بزرگ

۱. حمه رستمی، پیشین، ص ۲۰۱

۲. پیروتی، پیشین

مصرف نیز در این شهرستان به فروشگاه‌های اتکای مصرف فرهنگیان و مصرف کارمندان و چند مورد خصوصی معدودی محدود می‌شود. وجه غالب بازرگانی داخلی در شهرستان سردشت خرده‌فروشی و آزاد است که مشخصه‌ی عمده آن خرید و فروش کالاهای لوکس خارجی است که به صورت قاچاق از مرز وارد می‌شود.^۱

ز) بازرگانی خارجی

بازارچه مشترک مرزی سردشت که موضوع فعالیت آن از طرف شورای عالی امنیت ملی به تصویب رسیده در ۲۱ کیلومتری شهرستان سردشت واقع شده و فاصله‌ی آن تا شهر قلعه دیزه (قلادزه - عراق) ۱۸ کیلومتر است. این بازارچه به دلایل امنیتی به طور کامل در خاک ایران احداث گردیده و نمایندگی‌هایی از ادا راه‌های بازرگانی، گمرک، فرمانداری و نیروهای امنیتی و نظامی در آن حضور دارند. تجارت در این بازارچه با کارت‌های پوله‌وری صورت می‌گیرد و از سال ۱۳۷۵ شروع به کار کرده است. هم‌اکنون با توجه به تصریح آیین‌نامه بازارچه‌ها مبنی بر سقف ۱۰ میلیون دلار برای صادرات بازارچه‌های امنیتی، بازارچه سردشت از نظر صادرات کالا عملاً به حالت تعطیل درآمده است.^۲

۱. خضری، امیر (۱۳۸۶)، تعیین مکان بهینه جهت گسترش کالبد شهر سردشت با توجه به محدودیت‌های جغرافیایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما اسماعیل چاووشی و یدالله کریمی‌پور، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت‌معلم تهران، ص ۱۰

۲. خضری، امیر، همان، ص ۱۱

سیری بر مهم‌ترین وقایع تاریخی سردشت

۱- سردشت در دوران باستان

موقعیت جغرافیایی شهرستان سردشت با توجه به نزدیکی‌اش به بین‌النهرین و مراکز تمدن‌های اولیه و همچنین وجود غارها، رودخانه‌ها و زمین‌های حاصلخیز موجب توجه تمدن‌های اولیه به این منطقه می‌شد. با این‌همه از نظر باستان‌شناسی هنوز بکر است و دانش ما درباره‌ی گذشته دور و دوران باستان آن بسیار اندک است. البته در سال‌های اخیر به‌ویژه از سال ۱۳۸۴ ه.ش باستان‌شناسان ایرانی به سرپرستی بهمن کارگر تپه شماره ۲ شهر ربط را مورد کاوش قرار داده و از لایه‌های فراوان تمدنی و آثار بی‌نظیر باستانی در این منطقه پرده برداشته‌اند. در این کاوش‌ها شهر تاریخی ربط در ۱۵ کیلومتری شهر سردشت، با وسعت ۲۵ هکتار کشف گردید که حاکی از تمدنی بسیار بزرگ و باستانی با قدمتی ۳۰۰۰ ساله است. به گفته باستان‌شناسان این شهر همان «موساسیر» شهر دولت مانایی و مرکز دینی و عبادی این تمدن است که برای آشوری‌ها، اورارتویی‌ها و... نیز شهر مقدسی شمرده می‌شد.

فضای جغرافیایی شهرستان سردشت، آب کافی، پناهگاه‌های طبیعی و برای بشر اولیه نیز جذاب بوده است. البته این محدوده به جهتی دیگر نیز می‌توانسته بشر اولیه را به خود جذب کرده باشد و آن داشتن فضای مناسب برای پیلاق و قشلاق در فاصله بسیار کم است. ساکنان اولیه می‌توانستند در کمترین زمان ممکن خود را از سرمای زمستان و گرمای تابستان نجات دهند به همین دلیل برای تمدن‌های بابل، آشور، هیتی، میتانی، لولوبی، اورارتو، ماد، مانا و... نباید ناشناخته مانده باشد. به هر حال جز تپه ۲ ربط که آن‌هم به صورت محدود و با

کاوش‌های سطحی حفاری آن شروع شده است، دیگر مناطق این محدوده همچنان در انتظار آشکار شدن رازهای تاریخی خود است.

حداقل می‌توان به جرئت با توجه به یافته‌های این منطقه یادآوری کرد که ماناها در قلعه عظیم شهر ربط ساکن بوده و تا هزاره‌ی اول و سال‌های آخر قرن هشتم قبل از میلاد با آشوری‌ها و اورارتوها در ارتباط بوده‌اند. شواهدی که از این دوران به‌جای مانده است، بقایایی از دژها و قلعه‌هایی است که بر روی تپه‌های راهبردی و ارتفاعات منطقه هم در قالب ردیف سنگ‌های درشت و دیوارهای قطور دیده می‌شود. از دوران ماد و هخامنشی آثار بخصوصی در این ناحیه معرفی نشده است، اما کشف تصادفی سکه‌های یونانی دال بر عبور لشکریان یونان از این منطقه در آن دوران است. از دوره اشکانی قبرستان‌های تاریخی با خمره‌های سفالی بزرگ نشانی از جمعیت فراوان منطقه در این دوران تاریخی است.

۲- سردشت در دوران اخیر

سردشت به دلیل مرز طولانی و بسیار نزدیکش به عثمانی در قرون گذشته مدخلی برای ورود نیروهای متجاوز به خاک ایران و یا ناراضیان و شورشیانی بود که در عراق و یا عثمانی بیرق مخالفت را با دستگاه حاکم برمی‌افراشتند. به جرئت می‌توان گفت سردشت، بیشترین رویدادها و حوادث تاریخی را در میان شهرهای مرزنشین استان شاهد بوده است.

یکی از موضوعات قابل‌توجه در سردشت، نحوه تعامل مردم این منطقه با روسیه و عثمانی است. هرگاه روسیه و عثمانی باهم درگیر شده‌اند، مردم سردشت با تمام توان جانب عثمانی را گرفته‌اند؛ اما جالب اینجاست زمانی که

دولت عثمانی از مردم سردشت خواسته بود تا سردشت را جزو قلمرو خاک عثمانی بدانند شدیداً اعتراض کرده و فوراً به تهران تلگراف می‌زنند و از ایرانی بودن خود دفاع می‌کنند.

جنگ جهانی اول یکی از تلخ‌ترین رویدادهای سردشت در دوره معاصر است که طی آن انبوهی از مردم سردشت به دست ارتش‌های متحدین و متفقین قتل‌عام و نابود شدند.^۱

با قدرت‌گیری رضاشاه و اجرای برنامه اتحاد لباس و کشف حجاب، ملا خلیل گوره میر یکی از مردان مبارز سردشتی علیه کشف حجاب قیام کرد و تمام عشیره منگور، گورک مهاباد و سردشت با وی علیه قانون کشف حجاب و کلاه پهلوی هم‌پیمان شدند اما همچون معترضان مناطق دیگر نتوانستند کاری از پیش ببرند. همچنین در برابر قانون سربازگیری رضاشاه نیز مقاومت‌هایی در این منطق صورت گرفت.

یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخی شهر سردشت که موضوع اصلی این کتاب را شکل می‌دهد یعنی بمباران شیمیایی در همین دوره رقم خورد. سردشت یکی از معدود شهرهایی است که بمباران شیمیایی شده است. رژیم بعثی عراق در ساعت ۱۶:۲۵ روز هفتم تیرماه هزار و سیصد و شصت و شش به وسیله شش فروند هواپیمای نظامی، سردشت را با بمب‌های خردل و موستارد بمباران کرد که موجب شهادت بیش از یک‌صد و ده تن و مصدمیت هزاران تن شد.

آثار و جاذبه‌های تاریخی

سردشت در دوره مانایی، مادی، هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی

۱. حکیم‌زاده، پیشین، ص ۸۱

منطقه‌ای آباد بود و مخصوصاً منطقه ربط با داشتن موقعیت سوق‌الجیشی و کاروان-سرای (رباط) اهمیت خاصی برای مردم سلسله‌های مذکور داشت. بااین‌همه مهم‌ترین آثار تاریخی برجای‌مانده از دوره‌های قبل و بعد از اسلام در منطقه عبارت‌اند از:

الف) تپه ربط، ب) قلعه ربط (قه لای ره به ت)، ج) قلعه مالیموس (قه لای مالیموس)، د) وارشی قازی آوی، ه) پل قلعه تاسیان (پردی قه لاتاسیان)، و) حمام قدیمی (حه مامی کون)، ز) کاروان‌سرای کورتک.



۱-۶. نمونه‌های از آثار یافته شده در قلعه باستانی ربط



شکل ۱-۷. پل قلعه تاسیان در سردشت





شکل ۱-۸. حمام قدیمی در سردشت

فصل دوم

آشنایی با عوامل شیمیایی و پیامدهای آن

سلاح‌های کشتار جمعی و تاریخچه کاربرد سلاح‌های شیمیایی

اصطلاح «سلاح‌های کشتار جمعی» نخستین بار در سال ۱۹۴۸ در یکی از اسناد کمیسیون تسلیحات نوع کلاسیک به کار رفت و از آن پس رواج گسترده‌ای یافت. سلاح‌های کشتار جمعی شامل انواع سلاح‌های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که گاه با علامت اختصاری A.B.C از آن‌ها یاد می‌شود و در مقابل سلاح‌هایی قرار دارند که به سلاح‌های متعارف موسوم هستند. در زبان فارسی علامت مخفف این سلاح‌ها «ش.م.ه» است که نیروهای نظامی در تعلیمات خود تحت همین عنوان نحوه مقابله با آن را می‌آموزند. این حروف مخفف عبارت شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای است. گاهی نیز از این سلاح‌ها با عنوان «ش.م.ر» یاد می‌شود که حرف «ر» مخفف کلمه رادیواکتیو است.^۱

عوامل شیمیایی نیز به ترکیباتی اطلاق می‌گردد که در صورت کاربرد مؤثر علیه انسان و حیوان و یا گیاه منجر به مرگ یا ضایعات قابل توجه دائمی یا موقتی در ساختار اندامی آن‌ها شود؛ به عبارت دیگر جنگ‌افزار شیمیایی عوامل شیمیایی هستند که به صورت جامد، مایع و گاز تهیه می‌شوند و در صورت انتشار در

۱. کرد بچه حسین‌آباد، مهدی (۱۳۸۶)، تحدید تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی در حقوق بین‌الملل (با رویکردی به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران)، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران،

صحنه نبرد، منجر به بروز آثار کشنده، آسیب رساننده یا ناتوان کننده در موجودات^{۵۰} زنده می شود.^۱

تاریخچه استفاده از عوامل و مواد شیمیایی برای حمله به دشمن و دفاع از خود به قدمت تاریخ بوده و منحصر به انسان نیز نمی باشد. در طبیعت نوعی از جنگ افزارهای شیمیایی در برخی جانوران برای دفاع از خود مشاهده می شود. حیوانات اولین موجوداتی بودند که از عوامل شیمیایی در مبارزه استفاده کرده اند. برخی ماهیان، خزندگان و دوزیستان دارای شیوه های دفاعی فلج کننده از راه پرتاب یا تزریق مواد سمی یا کشنده هستند. اختاپوس و ماهی مرکب برای آن که خود را از دید مهاجم دورنگه دارند، ماده سیاه رنگی را در آب پخش می کنند تا از دید دشمن پنهان باشند. مورچه نیز برای کشتن یا آسیب رساندن به مورچه های دیگر، اسید فورمیک در هوا پخش می کند. مارها و عقرب ها نیز با نیش زهرآگین خود سبب کشتن یا صدمه زدن به سایر جانوران می شوند؛ بنابراین شاید استفاده از عوامل شیمیایی در جنگ ها با الهام از حیوانات بوده باشد.^۲

تاریخچه سلاح های شیمیایی احتمالاً به روشن کردن آتش های بزرگ و پرتاب توپ های گوناگون و حرارت حاصل از ترکیب گوگرد (آتش یونانی) در دوره ی باستان برمی گردد.^۳ کاربرد جنگ افزار شیمیایی قبل از تاریخ مدرن شروع شده است و در آن زمان ها برای غلبه بر دشمن از آتش، دود و گازهای سمی استفاده

۱. کرد بچه حسین آباد، مهدی، همان، ص ۹۴-۹۵

۲. کرد بچه حسین آباد، پیشین، ص ۱۱۹-۱۲۰

۳. ملکاری، بختیار (۱۳۹۰)، بررسی پیامدهای روانی - اجتماعی بمباران شیمیایی بر آسیب دیدگان آن در شهر سردشت به روش کیفی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما کیومرث فرحبخش، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۳ رشیدی، امیر (۱۳۸۵)، عصر آتش (آشنایی با عوامل شیمیایی، میکروبی، هسته ای و نحوه حفاظت در برابر آن ها)، رهرو، مهاباد، ص ۸

می‌شد. برای اثبات این ادعا تاریخ‌نویسان با ارائه شواهدی نشان می‌دهند که مواد شیمیایی و شبکه‌های دود فلج‌کننده، چگونه طی چند هزار سال توسط جنگجویان به‌طور موفقیت‌آمیزی علیه دشمنان به کار گرفته شده است. توسعه عوامل شیمیایی مرهون اقدامات و تجاربی است که در گذشته انجام گرفته است. هندیان باستان در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، در جنگ‌ها از پرده‌های دود - وسایل آتش‌زا، گازها و بخارات سمی که سبب خواب رفتن و خمیازه کشیدن افراد می‌شد استفاده می‌کردند.^۱

هرچند که مواد سمی و کشنده حتی در جنگ‌های باستان برای از پا درآوردن دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفت اما کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی به شکل مدرن آن در جنگ اول جهانی رخ داد. روز ۲۲ آوریل ۱۹۱۵م. که به‌عنوان روز تولید جنگ شیمیایی نام گرفت، ارتش آلمان در شهر ایپر بلژیک، با استفاده از کپسول‌های محتوی گاز خفه‌کننده کلر، هزاران نفر از سربازان متفقین را در جبهه مخالف از پای درآورد و از آن‌پس طرفین درگیر به‌صورت مکرر و در مقیاس وسیع از انواع سلاح‌های شیمیایی علیه یکدیگر استفاده کردند. چنان‌که در طول همین جنگ برای اولین بار عامل شیمیایی ناتوان‌کننده خردل (سولفارد موستارد) توسط ارتش آلمان استفاده شد.^۲

در جنگ جهانی اول جمعاً ۱۲۴۲۰۰ تن گاز سمی شیمیایی به کار رفت. در اواخر ۱۹۱۵ متحدین با ساختن ماسک ضد گاز و استفاده از آن توانستند،

۱. رشیدی، امیر (۱۳۸۵)، عصر آتش (آشنایی با عوامل شیمیایی، میکروبی، هسته‌ای و نحوه حفاظت در برابر آن‌ها)، رهرو، مهاباد، ص ۸

۲. فروتن، عباس (۱۳۸۰)، جنگ شیمیایی عراق و تجارب پزشکی آن، موسسه فرهنگی انتشاراتی تیمورزاده، تهران، ص ۱۸

عوارض این سلاح مخرب را کاهش دهند. بعدازآن، آمریکا درصدد آمد که گازی تولید کند که ماسک هم بر آن کارایی نداشته باشد و گاز تاولزا را ساخت. بعد از قرارداد ژنو در سال ۱۹۲۵ که کاربرد سلاح‌های شیمیایی ممنوع شد فقط ایتالیایی‌ها در سال ۱۹۳۶ حمله شیمیایی گسترده‌ای علیه مردم بی‌دفاع اتیوپی انجام دادند.^۱

به‌طورکلی تلفات سلاح‌های شیمیایی در جنگ اول جهانی فوق تصور بود؛ زیرا بیش از یک‌میلیون مصدوم و نود هزار کشته برجای نهاد.^۲ با ورود عامل خردل به صحنه جنگ، که در محیط‌زیست آلودگی پایدار ایجاد می‌کرد، جنگ شیمیایی وارد مرحله تازه‌ای شد.^۳ زیرا دو دهه بعد در جنگ جهانی دوم، گازهای خطرناک‌تری از گازهای به‌کاررفته در جنگ جهانی اول، توسط آلمان‌ها ساخته شد مانند: تابون - سارین و سومان اما در جنگ از آن‌ها استفاده نشد. هراس از مقابله به‌مثل کشورهای طرف جنگ، غیرقابل کنترل بودن عواقب و تلفات ناشی از این سلاح‌ها، عدم آموزش‌های استاندارد و فقدان آمادگی و ترس از مبتلا شدن به عوارض ناشناخته، از دلایل احتمالی عدم استفاده از این عوامل شیمیایی بودند.^۴ سال‌ها پس از جنگ جهانی دوم، بار دیگر در جنگ ایران - عراق عوامل شیمیایی در سطحی وسیع توسط ارتش بعثی عراق علیه مردم بی‌دفاع حلبچه، سردشت و سایر شهرهای مرزی ایران مورد استفاده قرار گرفت که بررسی

۱. رشیدی، امیر، همان کتاب، ص ۹

۲. خاطری، شهریار (۱۳۸۶)، جنگ شیمیایی عراق علیه ایران (به روایت اسناد سازمان ملل متحد)، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، تهران، ص ۱۸

۳. فروتن، عباس، همان کتاب، ص ۲۰

۴. جنبه‌های پزشکی دفاع شیمیایی (۱۳۸۰)، ترجمه حسین علی مهرانی و منصور کشاورز، گلبان، تهران،

پیامدهای آن در سردشت موضوع اصلی این کتاب است.

انواع سلاح‌های شیمیایی

۱- وی ایکس VX : سمی‌ترین سلاح شیمیایی است و به شکل مایع چسبناک و بی‌رنگی است که به آرامی به گاز بی‌رنگ و بو تبدیل می‌شود. وی ایکس با تحریک اعصاب موجب تشنج و فلج رگ‌های خونی و ریه‌ها می‌شود. مقدار ۱۰ میلی‌گرم از این ماده بر روی پوست برای مرگ کافی است و قربانیان در نهایت بر اثر خفگی می‌میرند. عراق توانایی ساخت بیش از ۲۰۰ تن وی ایکس را داشته و هرگز نیز آمار واقعی آن میزانی که صدام ادعا می‌کرد نبود نموده، به دست نیامده است.

۲- سارین : همانند وی ایکس مایع بوده و به سرعت تبخیر می‌شود. سارین همچون VX موجب ناتوانی، فلج و در پایان خفگی می‌گردد. فرقه «آنوم» در متروی توکیو در سال ۱۹۹۵ با پخش سارین چند تن از شهروندان ژاپنی را به کام مرگ فرستاد. عراق در ابتدا به بازرسان تسلیحاتی اعلام کرده بود که ۱۱۲ تن از این ماده سمی را در اختیار دارد اما بعدها ادعا کرد این میزان ۷۹۰ تن بوده است. این کشور همچنین نوعی بمب‌های ترکیبی تولید کرد که حامل ۲ محفظه جداگانه مواد شیمیایی بود و پس از انفجار در ترکیب با یکدیگر سارین ایجاد می‌کرد. عراق با ساخت هزاران راکت، گلوله‌های توپ و بمب‌های محتوی سارین آن‌ها را علیه در جنگ با ایران استفاده کرد.

۳- گاز خردل : گاز خردل در حالت معمولی به صورت مایع بی‌رنگی است که به گاز تبدیل می‌شود و ممکن است بی‌بو بوده یا بوی تند خردل یا سیر را ایجاد کند. خردل به هنگام تماس با بدن فرد بافت‌ها را از بین می‌برد و زخم‌هایی

شبیهِ تاول ایجاد می‌کند و منجر به آسیب رساندن به ریه‌ها و چشم‌ها می‌شود. خردل اغلب مرگ‌آور نیست اما می‌تواند سبب کوری، مشکلات تنفسی و دیگر آسیب‌های جسمانی شود که برای سال‌ها دردآور خواهد بود. این گاز برای اولین بار در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت. بغداد دودسته آمار از میزان تولید این گاز را اعلام کرده است. اولین بار میزان تولید خود را ۳ هزار و ۸۰ تُن اما بار دوم ۲ هزار و ۸۵۰ تُن اعلام کرد. عراق به استفاده گسترده از گاز خردل علیه نیروهای ایرانی در طول جنگ اعتراف کرده است. بغداد به سازمان ملل اعلام داشته که بالغ بر ۵۵۰ گلوله توپ حاوی گاز خردل را پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس نابود کرده است.

۴- سیاه‌زخم ANRHRAX : سه دسته زخم بیماری‌زا وجود دارد: پوستی، گوارشی، و ریوی یا تنفسی. مرگ‌آورترین نوع آن و تنها نوعی که به‌عنوان سلاح شناخته‌شده، سیاه‌زخم تنفسی است که با علائم شبیه آنفولانزا شروع می‌شود اما درنهایت، ریه‌ها را پر از مایع می‌کند و منجر به مرگ می‌شود.

تنها میزان کمی از سیاه‌زخم در برخی افراد مستعد برای ایجاد یک عفونت مرگبار کافی است. عراق حداقل ۲ هزار و ۲۰۰ گالن از میکروب سیاه‌زخم تولید کرده است. بازرسان تسلیحاتی می‌گویند، عراق همچنین از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی در تلاش برای تولید نوع مرگبارتر سیاه‌زخم خشک (پودری) بوده است.

۵- بوتولینوم توکسین: نوعی سم است که از باکتری «کلاستریدیم بوتولیندوم» به دست می‌آید و یکی از مرگبارترین سموم شناخته‌شده است. میزان بسیار کمی از آن اگر با غذا تماس پیدا کند، می‌تواند موجب گرفتگی عضلات معده، تاری دید و ضعف عضلانی گردد و تا فلج و مرگ نیز پیش رود. بوتولینوم چنانچه به این شکل تولیدشده باشد - به‌ویژه هنگامی که استنشاق صورت گیرد

- با فلج و مرگ سریع همراه خواهد بود. میزان ۷۰ بیلونیوم گرم از این سم برای کشتن کافی است. بغداد بالغ بر ۵ هزار و ۳۰۰ گالن از سم بوتولینوم تو کسین را تهیه کرده بود.

۶- افلاتوکسین: نوعی سم تولیدشده از دسته قارچ‌هایی است که در غلات پرورش پیدا می‌کنند. افلاتوکسین به‌طور بالقوه عامل سرطان‌زایی است که موجب سرطان کبد می‌شود. این سم در مقادیر بالا می‌تواند سبب درد شکمی، تورم ریه‌ها و مغز، تشنج، کما و درنهایت مرگ شود. رژیم بعث بیش از ۵۲۰ گالن افلاتوکسین تولید کرده بود.^۱

عوامل شیمیایی و خصوصیات آن

عوامل شیمیایی به‌صورت گاز، بخار، جامد و مایع پخش می‌شود و از طریق دستگاه تنفسی، گوارشی و پوست وارد بدن می‌گردد.^۲ کسی که در معرض این عوامل قرار می‌گیرد تصور نگرش مثبت به آینده در او بسیار ضعیف و دشوار می‌شود و بر ترس و هراس آن‌ها می‌افزاید. هرچقدر مقدار عوامل شیمیایی بیشتر یا کمتر باشد، بر زمان پایداری عامل تأثیر می‌گذارد. عوامل شیمیایی بلافاصله بعد از انفجار در محل پراکنده می‌شوند و منطقه‌ای به عرض ۳۰۰ متر و عمق ۲۰۰ متر را زیرپوشش خود قرار می‌دهند. اکثر عوامل شیمیایی را می‌توان به‌صورت ابر یا ذرات معلق در هوا پخش کرد این عوامل در استحکامات و تأسیسات و

۱. ۵۹ خضری، سلیمان (۱۳۹۲)، بیمارستان و کلینک تخصصی شیمیایی شهرستان سردشت، مقطع

کارشناسی، استاد راهنما آرش صدیقی، رشته معماری، دانشکده دارالفنون بجنورد، ص ۳۸، ۳۹، ۴۰

۲. کرد بچه حسین‌آباد، پیشین، ص ۷۳

جاهای دیگر نفوذ کرده و در کل، اکثر موانع را در برمی گیرد.^۱
عوامل شیمیایی که به عنوان جنگ افزارهای شیمیایی مورد استفاده قرار می گیرند، با توجه به اثرات فیزیولوژیکی و چگونگی مشخصات و همچنین نحوه تأثیرگذاری شان بر انسان، حیوان و گیاه به پنج دسته تقسیم می شوند:

۱- عوامل کشنده

این عوامل که تنها به منظور کشتن افراد به کار می روند، بسیار سمی هستند که در چند ثانیه پس از تماس، موجب مرگ می شوند. این عوامل به سه گروه زیر تقسیم می شوند:

الف) عوامل خون: این عامل از طریق استنشاق وارد بدن می شوند و با خون مخلوط شده و در بافت های بدن ضایعاتی را به وجود می آورند که باعث اختلال در تنفس و سایر اعضای اصلی بدن می گردند. پس از ورود به بدن و نفوذ از طریق ریه ها با هموگلوبین ترکیب می گردد و در نتیجه اکسیژن خون در بافت ها رها نمی شود و یک ماده سمی به نام اکسی هموگلوبین را تشکیل می دهد که مانع از رسیدن اکسیژن به خون و بافت ها می شود. بدین ترتیب، جریان خون در مسیر خود سرگردان باقی می ماند و به تدریج جذب بدن می شود و سبب ایجاد اختلال در تنفس و مرگ سلولی می گردد. عامل خون دارای بوی سبزی تازه و بادام تلخ است.^۲

ب) عوامل اعصاب: این عوامل با ایجاد اسپاسم های عصبی روی سلسله اعصاب که کلیه ها، ماهیچه ها و عضلات بدن انسان را تحت کنترل دارد، بدن را از حرکت وامی دارد و در صورت ازکارافتادن این نیروی محرکه، مرگ انسان

۱. رشیدی، پیشین، ص ۱۷

۲. رشیدی، پیشین، ص ۲۹

حتمی است و قربانی در چند دقیقه فوت می‌کند. این عوامل از مدرن‌ترین عوامل شیمیایی هستند.^۱

ج) عوامل خفه‌کننده: این عامل اگر وارد بدن شود توسط هوای مرطوب شش‌ها تجزیه شده و اسیدکلریدریک تولید می‌کند و اسید حاصل شده روی شش‌ها و دیواره مویرگ‌ها اثر می‌گذارد و باعث ورود پلاسمای خون در داخل شش‌ها و خروج هوا از شش‌ها می‌شود و در اثر نرسیدن اکسیژن به بدن، فرد قربانی می‌میرد. درواقع وقتی عامل خفه‌کننده از راه مجاری تنفسی وارد ریه‌ها می‌شود به علت مرطوب بودن آن جذب دیواره‌ی شش‌ها شده و باعث پارگی مویرگ‌ها می‌گردد. درنتیجه، خون در بدن عمل نمی‌کند و همین اختلال خون باعث خفگی فرد می‌شود.^۲

۲- عوامل زیان‌بخش

منظور از کاربرد عوامل زیان‌بخش، کشتن افراد به‌طور ارادی و عمدی نیست؛ بلکه به ستوه آوردن دشمن است. احتمال این‌که بخشی از قربانیان این عوامل، کشته شوند نیز وجود دارد. میزان آسیب‌رسانی به افراد از این نوع عوامل به مقدار زیادی بستگی به وضعیت جسمانی، میزان نفوذ در انسان و مراقبت‌های پزشکی دارد. این عوامل به‌صورت مایع روغنی بوده و اثرشان بر پوست بدن قربانی می‌ماند و چند ساعت بعد از تماس موجب سوختن پوست و ایجاد تاول می‌گردد. گاز خردل معروف‌ترین عامل این خانواده است. یکی از انواع خردل «دی کلر دی اتل سولفید» است که مسمومیت آن با این گاز از طریق پوست مخاط و دستگاه تنفسی است. نوع دیگر از گاز خردل، خردل نیتروژنی است.

۱. کرد بچه حسین‌آباد، پیشین، ص ۸۰-۸۱

۲. رشیدی، پیشین، ص ۳۰-۳۱

تاول‌زایی این عامل بسیار قدرتمند است که تماس با بخار آن باعث بروز **۵۸** عکس‌العمل‌های شدید موضعی در پوست، چشم و دستگاه تنفسی می‌شود. نوع سوم این گازها «لوسایت» است که علاوه بر تاول‌زایی، موجب تحریک و فساد سازنده نسج ریه می‌شود.^۱

۳- عوامل ناتوان‌کننده

عوامل ناتوان‌کننده به نام‌های دیگری چون عوامل کنترل‌کننده ضد اغتشاشات و عوامل آزاردهنده نیز خوانده می‌شوند به‌طور عام به‌عنوان گاز اشک‌آور می‌شناسیم. عوامل ناتوان‌کننده ضعیف معمولاً در اختیار نیروهای پلیس نیز قرار می‌گیرد.^۲

۴- عوامل ضد گیاه

این عوامل باعث مسموم شدن برگ گیاهان شده و درنهایت موجب از بین رفتن گیاه می‌گردد. مواد شیمیایی ضد گیاهی که امروزه در جنگ به کار می‌رود در دو گروه قرار می‌گیرد: گروه اول شامل علف‌کش‌ها، تنظیم‌کننده‌های رشد گیاه و یا خشک‌کننده‌ها است که به‌طور مستقیم بر روی نباتات یا درختان به کار می‌روند. گروه دوم شامل نابارور کننده‌های خاک است که برای آلوده ساختن زمین و جلوگیری و بطلیء ساختن رویش گیاه در آن بکار می‌روند.^۳

۵- توکسینها

توکسین‌ها، سمومی هستند که توسط میکروارگانیسم‌ها تولید می‌شوند. برخی از این سموم، که ممکن است بدون تغییر و یا با ایجاد تغییراتی به‌طور مصنوعی

۱. کرد بچه حسین‌آباد، پیشین، ص ۷۹-۸۰

۲. ملکاری، پیشین، ص ۳۲

۳. ملکاری، پیشین، ص ۳۴

در مقیاس وسیع تهیه گردند، به سه گروه باکتریال، گیاهی و حیوانی تقسیم می‌شوند.^۱

علاوه بر سمومی که نام‌برده شد و می‌تواند جزء سموم استاندارد نظامی باشد، هر نوع ماده سمی دیگری که بتواند نهایتاً در منطقه جنگی کارایی داشته باشد، ممکن است به‌عنوان عامل شیمیایی جنگی مورد استفاده قرار گیرد. اگرچه عملاً با در نظر گرفتن کلیه ویژگی‌های مورد نیاز تنها تعداد معدودی از عوامل، قابلیت آن را دارد که به‌عنوان عامل شیمیایی جنگی نامیده شود.^۲

مسیرهای جذب عوامل شیمیایی

عوامل شیمیایی ممکن است از راه‌های مختلفی وارد بدن شوند و ماهیت و شروع علائم بالینی ممکن است به تناسب، تغییر کند. گازها و بخارات در صورت استنشاق می‌توانند در قسمت‌های مختلف دستگاه تنفسی، از مخاط بینی و دهان گرفته تا ریه، چشم و سطح پوست جذب شوند. عوامل شیمیایی ممکن است غذا و آشامیدنی‌ها را آلوده کنند و از طریق دستگاه گوارش جذب شوند.

پیامدهای اجتماعی و روانی کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک

هراس: ایجاد هراس پس از کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک می‌تواند آن‌چنان عمیق باشد که داروهای مؤثر برای کنترل برخی از پیامدها،

۱. فروتن، پیشین، ص ۳۲

۲. فروتن، پیشین، ص ۳۲

همانند آتروپین، آنتی‌بیوتیک‌ها به قدر کافی اثربخش نباشند، هراس، سبب فرار افراد از منطقه مورد حمله می‌گردد، و حتی هنگامی که هیچ‌گونه خطر آلودگی آن‌ها را تهدید نکند. از این رو ورود افراد یا امکانات جدید برای کمک به آسیب‌دیدگان با جابجایی آن‌ها ناممکن می‌شود.^۱

ترس از آلوده شده گان: طبیعی است که در حمله‌های بیولوژیک افراد تندرست فرد آلوده‌شده را عامل بالقوه گسترش و شیوع بیماری تلقی کنند؛ افراد سالم نه تنها به بیماران بلکه به افرادی که احتمال ناخوشی آن‌ها می‌رود و یا به دلایل دیگر تحت مراقبت‌های پزشکی هستند، بدگمان خواهند شد.^۲

دگرگونی در سازمان‌دهی اجتماعی: واکنش در برابر حمله‌های بیولوژیک و شیمیایی احتمالاً بسیج امکانات، تخلیه، یا ایمن‌سازی را در مقیاسی که وسایل کنترل اجتماعی را در پی خواهد آورد، ضروری می‌کند؛ هرگاه چنین شود بازگشت به وضعیت عادی بسی دشوار خواهد شد. از این رو کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک می‌تواند به دگرگونی‌های عمیق اجتماعی منجر شود که ضایعات آن به مراتب بیش از میزان معلولین و قربانیان حادثه خواهد بود. مضافاً آن‌که حمله به یک شهر با جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک سبب اختلال در حمل و نقل، ارتباطات، بهداشت و توزیع مواد غذایی می‌گردد، که طبعاً سبب افزایش خطر برای حیات بسیاری از تندرستان جامعه خواهد شد.^۳

۱. نبوی، سید عبدالامیر (۱۳۸۱)، نگاهی به آثار اجتماعی جنگ، مجله نگین ایران، جلد اول، تهران، ص

۲. حسینی دوست، رضا، حاجیا، مسعود. حسینی، محمدجواد و همکاران (۱۳۸۱)، بیوتروریسم و

سلاح‌های بیولوژیک، انتشارات اندیشه، تهران ص ۸۱

۳. ملک‌اری، پیشین، ص ۴۵

این‌ها مسائلی است که در بمباران شیمیایی سردشت نیز رخ داد.

پیامدهای حاصل از مواد ویژه (ال-اس-دی و BZ): بسیاری از مواد شیمیایی و بیولوژیک ویژه، ممکن است بر رفتار مصدومان اثر بگذارد. برای نمونه در آزمایش مواد توهم‌زا بر روی گروهی از سربازان نشان داد، «دسته‌های نظامی که در معرض این‌گونه مواد قرار گرفته بودند حتی آگاهی از شرایط غیرعادی خود نداشتند. درواقع رفتار آن‌ها به‌گونه‌ای دگرگون‌شده بود که قادر به اطاعت از دستورات ساده و اجرای عادی وظایف خویش در حد قابل‌قبول نبودند؛ تنها شخصی که در معرض ماده قرار نگرفته بود، می‌توانست رفتار غیرعادی و عجیب آن‌ها را تشخیص دهد».^۱

تاریخچه خلع سلاح شیمیایی

ممنوعیت استفاده از سموم در جنگ، یکی از قدیمی‌ترین و شایع‌ترین قواعد عرفی جنگ است. از روزگاران گذشته استفاده از سم و سلاح‌های سمی در جنگ‌ها که موجب صدمات و تلفات بیش‌ازحد می‌شد پسندیده نبود. تلاش در جهت ممنوع کردن کاربرد نوعی خاص از جنگ‌افزار در جنگ‌ها، در دوره‌های مختلف بخصوص تاریخ معاصر موردتوجه بوده است. بنابراین استفاده از سلاح‌های شیمیایی براساس اصول کلی حقوق بین‌الملل جنگ و قواعد عرفی و الزام‌آور حقوقی، ممنوع است.^۲ به جرئت می‌توان گفت سلاح‌های شیمیایی تنها

۱. علایی، حسین و خواجه کاووسی، بابک (۱۳۷۱)، صنایع تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، انتشارات

وزارت امور خارجه، تهران، ص ۷۱

۲. کرد بچه حسین‌آباد، پیشین، ص ۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳

سلاح‌های جنگی هستند که بیشترین و قدیمی‌ترین معاهدات بین‌المللی برای منع کاربرد آن‌ها وجود دارد. به دلیل ماهیت غیرانسانی و وحشیانه این گونه سلاح‌ها، از چندین قرن پیش که از سلاح‌های شیمیایی در شکل ابتدایی آن وجود داشت، قراردادهای مختلفی برای ممنوع ساختن آن شکل گرفت.

اولین قرارداد بین‌المللی برای محدودسازی استفاده از سلاح‌های شیمیایی به سال ۱۶۷۵ میلادی برمی‌گردد که طی آن دو دولت فرانسه و آلمان با امضای موافقت‌نامه‌ای درباره ممنوعیت کاربرد گلوله‌های سمی به توافق رسیدند.

دویست سال بعد در سال ۱۸۷۴م. «کنوانسیون بروکسل درباره حقوق و قوانین جنگ» کاربرد سموم یا سلاح‌های سمی و نیز سلاح‌ها، پرتابه‌ها و مواردی را که باعث مصدومیت و رنج غیرمعمول می‌شود، ممنوع اعلام کرد.

پیش از پایان قرن نوزدهم و در سال ۱۸۹۹م. کنفرانس بین‌المللی صلح در لاهه موافقت‌نامه ممنوعیت استفاده از پرتابه‌های جنگی محتوی گازهای سمی را ممنوع ساخت.

با وجود این سه توافق‌نامه بین‌المللی، در طول جنگ اول جهانی، شاهد هولناک‌ترین کشتارهای ناشی از کاربرد سلاح‌های شیمیایی بود. تلفات بی‌شمار و حملات وسیع شیمیایی منجر به انعقاد یکی از معروف‌ترین معاهدات بین‌المللی عدم کاربرد سلاح‌های شیمیایی؛ یعنی «پروتکل ۱۹۲۵ ژنو» شد. اکثر کشورهای جهان از جمله ایران و عراق این پروتکل را امضا نمودند. با وجود امضای این پروتکل، این معاهده دارای یک نقص بسیار بزرگی بود و آن این‌که تنها ناظر به ممنوعیت «کاربرد» سلاح‌های شیمیایی یا میکروبی بود و «توسعه»، «تولید» و «انباشت» این سلاح‌ها را منع نمی‌کرد.

در سال ۱۹۷۱م. برای برطرف نمودن نواقص پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، کمیته خلع

سازمان ملل، متن نهایی کنوانسیون منع توسعه، تولید و انباشت و کاربرد سلاح‌های بیولوژیک را آماده نمود. لذا از همان زمان مذاکرات مربوط به تهیه متن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی به صورت جدی آغاز شد. به دنبال نزدیک به ۲۰ سال مذاکرات فشرده در «کنفرانس خلع سلاح»، سرانجام متن نهایی کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی نیز در سال ۱۹۹۲م. آماده و مورد توافق اعضا قرار گرفت.^۱ تلاش‌های بین‌المللی برای وادار نمودن دولت‌ها و ارتش‌ها به عدم استفاده از سلاح‌های شیمیایی به خاطر جنبه‌ها و تأثیرات غیرانسانی و پایدار آنهاست. این کوشش‌ها باید از پشتیبانی گسترده افکار عمومی جهان برخوردار شود و به یک باور بشری تبدیل مبدل گردد.

فصل سوم

جنگ شیمیایی عراق علیه ایران

حملات شیمیایی عراق به ایران

پس از جنگ اول جهانی، بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین حملات شیمیایی در طول جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران رخ داد.^۱ هرچند در طول سال‌های جنگ دوم جهانی در برخی نقاط دنیا به صورت محدود از سلاح‌های شیمیایی استفاده شد، اما در عمل تا پیش از حمله عراق به ایران از این سلاح‌ها به صورت وسیع در هیچ جنگی استفاده نشده بود.^۲

عراق در آغاز جنگ از نظر قدرت شیمیایی توانایی زیادی نداشت، ولی با طولانی شدن جنگ، با برنامه‌ریزی‌های گسترده توانست زمینه تولید، ذخیره‌سازی و توسعه سلاح شیمیایی را فراهم آورد و از میدان جنگ با ایران برای آزمایش عملی و رفع نواقص سلاح‌های ساخته شده خود استفاده کند.

جنگ شیمیایی عراق علیه ایران را می‌توان به سه بخش کلی تقسیم نمود: نخست، دی‌ماه ۱۳۵۹ تا تیرماه ۱۳۶۲ که به صورت حملات و مانورهای آزمایشی انجام شد. دوم، از مردادماه ۱۳۶۲ تا بهمن‌ماه ۱۳۶۲ که به صورت حملات محدود و ولی متمرکز ادامه یافت. سوم، از اسفندماه ۱۳۶۲ تا خاتمه جنگ که به صورت

۱. حیدریان مقدم، محمد و خاطری، شهریار (۱۳۸۱)، جانبازان شیمیایی (تاریخچه، آمار، خدمات)، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی (پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان)، تهران، ص ۳

۲. خاطری، پیشین، ص ۱۸-۱۹

حملات گسترده و سنگین بروز یافت.

به‌طورکلی ایران در دوران جنگ تحمیلی، به مدت ۵ سال از مردادماه ۱۳۶۲ تا تیرماه ۱۳۶۷ موردتهاجم جدی شیمیایی عراق قرار گرفت. اگر وقایع گذشته را یک‌بار به‌سرعت مرور کنیم، متوجه یک‌روند رو به رشد خواهیم شد که در ماه‌های آخر جنگ به اوج خود رسید.^۱

این حمله‌های شیمیایی در جبهه‌های مختلف از غرب تا جنوب ادامه داشت و از عوامل مختلف شیمیایی علیه نیروهای رزمنده و مناطق مسکونی ایران استفاده شد. گزارش‌های رسمی (ازجمله گزارش کارشناسان سازمان ملل متحد) به‌کارگیری دو نوع مهم از عوامل شیمیایی را در جنگ توسط عراق به اثبات رساند که عبارت‌اند از: گاز خردل (سولفارد موستارد یا عامل تاول‌زا) و عامل اعصاب (عمدتاً تابون و گاهی سومان).^۲ با توجه به این‌که گاز خردل بر DNA سلولی عوارض دیررس شناخته‌شده‌ای برجای می‌گذارد در حال حاضر اغلب مصدومان شیمیایی در ایران دارای سابقه مصدومیت با گاز خردل هستند. گازهای اعصاب عمدتاً دارای اثر کشنده (در مسمومیت‌های شدید) و اثرات ناپایدار بر محیط و بدن انسان می‌باشند و عوارض درازمدت مشخصی برای آن شناخته‌نشده است. (هرچند اخیراً مطالعاتی در مورد آثار درازمدت این عوامل در ایجاد ضعف عضلانی و اختلالات سیستم عصبی انجام شده است).^۳

ارتش عراق از همان اوایل تهاجم علیه ایران غالباً مجهز به ماسک ضد گاز، قوطی‌های رفع آلودگی و دستگاه‌های آشکارساز شیمیایی بود، که تمام آن‌ها

۱. کرد بچه حسین‌آباد، پیشین، ص ۹۱

۲. احمدی، پیشین، ص ۴۰

۳. حیدریان مقدم، محمد و خاطری، شهریار، همان کتاب، ص ۸-۹

روسی بود و گاه به دست رزمندگان ایرانی می افتاد. چند ماه پس از آغاز جنگ، استفاده آزمایشی از سلاح های شیمیایی توسط ارتش عراق استفاده از گلوله های شیمیایی آغاز شد که غالباً ترکیبات اشک آور و تهوع زا و عصبی داشتند و موارد استفاده از آن بسیار محدود بود.^۱ اولین گزارش استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ ایران و عراق به تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۳ در منطقه ی هلاله و نی خزر (حوالی میمک) مربوط می شود که در جریان این حمله رژیم عراق از گاز تهوع آور استفاده کرد. پس از آن در مرداد ۱۳۶۲ در منطقه عملیاتی والفجر ۲ پیرانشهر و حاج عمران و در آبان ۱۳۶۲ در منطقه والفجر (پنجوین) رژیم عراق از سلاح های شیمیایی استفاده کرد. اولین حمله گسترده شیمیایی رژیم عراق در اسفندماه ۱۳۶۲ در منطقه عملیاتی خبیر و جزیره مجنون با استفاده از گاز خردل و عوامل اعصاب انجام شد و پس از آن در اسفند ۱۳۶۳ در منطقه عملیاتی بدر حملات وسیع شیمیایی عراق علیه ایران منجر به تلفات وسیع در رزمندگان ایرانی گردید.^۲

سایر حملات شیمیایی در طول جنگ در عملیات والفجر ۸ (بهمن ماه ۶۴)، کربلای ۴ و ۵ و ۸ (دی ماه ۶۵)، و والفجر ۱۰ (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷ در کردستان عراق - حلبچه) و تک های متعدد ارتش عراق از فروردین ۶۷ تا پایان جنگ (مرداد ۶۷) در جبهه های مختلف اتفاق افتاد.^۳ در واقع، کشور ایران در طول دوران ۸ ساله جنگ بیش از ۳۰۰ بار مورد حمله انواع مختلف سلاح های شیمیایی قرار گرفت. بمباران شیمیایی مناطق غیرنظامی و نظامی ایران با بیش از ۳۰۰۰ تن مواد شیمیایی به خصوص باهدف اشباع نمودن مراکز درمانی پشتیبان جنگ جهت

۱. فروتن، پیشین، ص ۹۴

۲. حیدریان مقدم و خاطری، پیشین، ص ۳

۳. خاطری، پیشین، ص ۱۹

تأثیرگذاری بر روحیه استقامت رزمندگان ایرانی بود.^۱

به کارگیری سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ عراق علیه ایران منجر به کشته شدن هزاران نفر از افراد نظامی و غیرنظامی و مصدوم شدن بیش از یک صد هزار نفر گردید که بسیاری از این مصدومین در حال حاضر باگذشت سال‌ها، هنوز از عوارض دیررس ناشی از عوامل شیمیایی، رنج می‌برند.^۲

واکنش سازمان ملل متحد به بمباران شیمیایی ایران

به دنبال شدت یافتن کاربرد سلاح‌های شیمیایی، توسط رژیم عراق و به درخواست رسمی جمهوری اسلامی ایران اولین گروه حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد متشکل از چهار کارشناس برجسته سلاح‌های شیمیایی از کشورهای سوئد، استرالیا، اسپانیا و سوئیس در اسفندماه ۱۳۶۲ (مارس ۱۹۸۴ م) به دستور دبیر کل سازمان ملل به ایران اعزام شدند. این هیئت در مدت اقامت خود در ایران، ضمن معاینه مصدومان و نمونه‌برداری از مناطق آلوده و مشاهده بمب‌های شیمیایی منفجرنشده، گزارش رسمی خود را تسلیم شورای امنیت کرد. در این گزارش به صراحت کاربرد گاز خردل و عامل اعصاب (تابون) علیه رزمندگان ایرانی مورد تأیید قرار گرفت. شورای امنیت در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴ م با صدور بیانیه‌ای بدون ذکر نام عراق به عنوان، به کاربرنده سلاح شیمیایی، طرفین جنگ را به پایبندی به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو دعوت نمود.^۳ با گسترش استفاده از سلاح‌های

۱. ۷۵ روایت ایثار (۱۳۸۷)، فصلنامه دفتر مشاور رئیس‌جمهور در امور ایثارگران، شماره ۲۲، تابستان

۱۳۸۷، تهران، ص ۲۳

۲. حیدریان مقدم و خاطری، پیشین، ص ۴

۳. خاطری، پیشین، ص ۲۲-۲۳

شیمیایی توسط رژیم عراق، دولت ایران چند بار دیگر به صورت رسمی از سازمان ملل خواستار بررسی جدی این موضوع شد.

اما با وجود صدور این بیانیه‌ها و به دلیل فقدان محکومیت جدی و اقدامات عملی از سوی شورای امنیت، رژیم عراق بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای به حمله‌های شیمیایی خود ادامه داد تا آنجا که در مقابل دید جهانیان یکی از بزرگ‌ترین و شرم‌آورترین جنایت جنگی تاریخ معاصر را در هفتم تیرماه ۱۳۶۶ رقم زد و با بمباران شیمیایی شهر سردشت هزاران نفر از زنان و کودکان و مردم غیرنظامی این شهر را هدف گاز ناتوان‌کننده خردل قرارداد.

چگونگی این حادثه، آمار شهدا و مصدومان آن، طی گزارش‌های رسمی متعددی به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل رسید. حتی در یکی از گزارش‌ها تصاویر متعددی از مصدومین این فاجعه نیز ضمیمه شد. اما علی‌رغم درخواست‌های مکرر ایران، هیچ هیئت کارشناسی برای بررسی این حادثه اعزام نشد. به دلیل سکوت مرگبار مجامع جهانی، متعاقب عملیات پیروزمند والفجر ۱۰ در جبهه‌های شمال غرب و شکست جبران‌ناپذیر ارتش عراق، جنایتی بزرگ‌تر رقم خورد و رژیم عراق شهر حلبچه و مناطق اطراف آن را مورد حمله شیمیایی قرارداد. طبق آمارهای رسمی که به همراه تصاویر مصدومین و شهدای فاجعه حلبچه به شورای امنیت ارسال شد، در این فاجعه کم‌نظیر حدود پنج هزار نفر شهید و بیش از هفت هزار نفر مصدوم شدند.

با ارسال گزارش تکان‌دهنده بازرسان سازمان ملل به شورای امنیت و تأثیر جامعه جهانی از قربانی شدن هزاران نفر از مردم بی‌گناه با سلاح‌های غیرانسانی، شورای امنیت مجبور به اقدام علیه جنایات رژیم عراق شد. بالاخره شورای امنیت در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۴ شهریور ۱۳۶۷) در جلسه شماره ۲۸۲۵ خود طرح

قطعه‌نامه‌ای را که توسط آلمان فدرال، ایتالیا، ژاپن و انگلستان پیشنهاد شده بود، زیر ۷۲ عنوان قطعه‌نامه ۶۲۰ تصویب کرد و در آن برای اولین بار از ایران به عنوان قربانی سلاح‌های شیمیایی در جنگ نام برد و خواستار کنترل صادرات مواد شیمیایی مورد استفاده در ساخت سلاح شیمیایی و نیز واکنش سریع در مقابله با کاربرد این سلاح‌ها در آینده شد. اما چه سود که این قطعه‌نامه پس از پایان جنگ صادر شد.^۱

قبح جنایت‌های استفاده از سلاح شیمیایی تا به آن حد بود که مقامات رژیم بعثی عراق در ابتدا از اقرار صریح بدان امتناع ورزیده و در مجامع بین‌المللی و مصاحبه‌های مطبوعاتی به نحو مضحک و کودکانه‌ای استفاده از سلاح‌های شیمیایی را انکار می‌نمودند. اما واقعیت این است که امروزه افکار عمومی جهان و جامعه بین‌المللی به خوبی می‌داند که چه جنایاتی با استفاده از این اسلحه مخوف صورت گرفته است. کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق از ۱۳ ژانویه ۱۹۸۱ به طور پراکنده علیه نیروهای نظامی ایران آغاز شد و در سال‌های بعد ادامه و گسترش یافت. جمهوری اسلامی ایران بیش از ۲۴۰ مورد از آن را با ذکر آمار و جزئیات دقیق، استفاده و نقض آشکار پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را به اطلاع سازمان ملل متحد رسانده است.^۲

بمباران شیمیایی مناطق مسکونی ایران توسط رژیم عراق

همچنان که تأکید کردیم، رژیم عراق در طول جنگ تحمیلی، نه تنها علیه اهداف نظامی و رزمندگان اسلام بلکه بارها اقدام به استفاده از سلاح شیمیایی علیه مناطق مسکونی و اهداف غیرنظامی در شهرها و روستاهای مرزی ایران

۱. خاطری، پیشین، ص ۲۵-۲۷-۲۸

۲. کرد بچه حسین آباد، پیشین، ص ۱۴۶-۱۴۷

نمود. نقطه اوج و تکان‌دهنده استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم غیرنظامی در مناطق مسکونی ایران در شهر «سردشت» و در هفتم تیرماه ۱۳۶۶ رخ داد. علاوه بر این شهر روستاهای اطراف بانه، شهر حلبچه در کردستان عراق (با کشتار بیش از ۵۰۰۰ نفر از مردم)، روستاهای اطراف مریوان، شهر نودشه، روستاهای اطراف سرپل ذهاب و شهر اشنویه نیز هدف حملات شیمیایی عراق واقع شدند. در این حمله‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای از انواع عوامل شیمیایی جنگی علیه مردم روستاها و شهرهای مرزی استفاده شد. تنها در یکی از این حمله‌ها که در ۶۶/۱۲/۲۸ در منطقه مریوان رخ داد، روستاهای منطقه «قلعه جی» تا «دزلی» با بیش از ۳۰۰ بمب شیمیایی مورد هدف قرار گرفت و به روستاهای کوچک قلعه جی بیش از ۱۱ بمب شیمیایی اصابت کرد. رژیم عراق همچنین در ماه‌های پایانی جنگ به‌صورت رسمی تهدید کرد که به‌زودی شهرهای بزرگ ایران از جمله تهران را با موشک‌های مجهز به کلاهک شیمیایی مورد حمله قرار خواهد داد. با تداوم این تهدیدها برنامه‌هایی برای دفاع غیرنظامی و آموزش مردم جهت آمادگی در مقابل حملات شیمیایی احتمالی به اجرا درآمد.^۱

تردیدی نیست که ایران از زمره مظلوم‌ترین قربانیان بمب‌های شیمیایی بود؛ زیرا سیطره جهانی رسانه‌های غربی مانع از انتشار اخبار جنایت‌بار حمله‌های شیمیایی رژیم بعث می‌شدند. به اعتراف دکتر شیزو کو سویا، رئیس انجمن صلح ژاپن، اگرچه در زمان جنگ ۸ ساله خبرهایی از ایران می‌رسید، اما هیچ‌گاه خبری از بمباران‌های شیمیایی به جهانیان نرسید و بشر از فجایعی که در ایران اتفاق می‌افتاد بی‌خبر ماند. پشتیبانی قدرت‌های بزرگ از رژیم عراق در جنگ تحمیلی موجب می‌شد نه جامعه بین‌المللی و نه نهادهای بین‌المللی تمایلی به پاسخگویی

۱. خاطری، پیشین، ص ۲۰

و رسیدگی به شکایت ایران نداشته باشند و با تأخیرهای عامدانه خود می‌کوشیدند آثار سلاح‌های شیمیایی از مناطقی که مورد حمله قرار گرفته بودند، زدوده شود و بدین ترتیب شکایت ایران بلا موضوع گردد.

خاویر پر زد کوئیار دبیر کل سابق سازمان ملل متحد که در مدت ۸ سال جنگ، رهبری سازمان ملل را به عهده داشت، در این خصوص مدعی است، زمانی که عراق علیه ایران از سلاح شیمیایی استفاده کرد، شورای امنیت به درخواست‌های وی برای انجام اقدامات عملی پاسخی نداد و او با استفاده از اختیارات خود، شخصاً اقدام به اعزام تیم‌های کارشناسی برای بررسی ابعاد حادثه کرد. به هر حال بر اساس این سهل‌انگاری‌ها اکنون افزون بر ۳ هزار مصدوم شیمیایی باقی‌مانده است که از این تعداد ۱۰ درصد مبتلا به صدمات شدید تنفسی، ۲۵ درصد آسیب‌های قابل‌توجه پوستی و ۷۰ درصد دارای صدمات چشمی هستند که هزینه‌های بهداشتی و درمانی آن‌ها بالغ بر میلیاردها دلار شده است. براساس تحقیقات صورت گرفته اکثریت مصدومان شیمیایی کشور در اثر تنفس گاز خردل به مصدومیت شیمیایی مبتلا شده‌اند که خوشبختانه این گاز اثری بر نسل‌های بعدی برجای نخواهد گذاشت.^۱

۱. عطش در سردشت ویژه‌نامه شهدا و جانبازان بمباران شیمیایی سردشت (۱۳۸۶)، معاونت پژوهش و